

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

گفتگوی
با آیت الله
جواهری



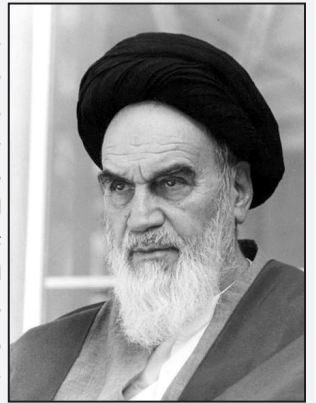
صفحه ۴

سال سی و نهم • شماره ۹ • شماره مسلسل ۱۵۷۵ • نیمه اول مرداد ماه ۱۳۹۷ • قیمت: ۵۰۰ تومان

بهره ای از کلام امام خمینی درباره لزوم پرهیز از اختلافات

دعواها و اختلافات برای خدا نیست ما نمی‌توانید بازی دهید

اشاره: اختلاف و تفرقه و دعواهای بی‌حاصل باندی و جناحی، از دغدغه‌ها و نگرانی‌های امام خمینی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه بود و از نظر ایشان چنین رویکردی موجب تباهی و فساد در میان مسئولین می‌شود. امام خمینی ریشه اختلافات را در کنار گذاشتن قوه عقلیه و تمسک به قوه غضبیه برمی‌شمردند که این گرایش می‌تواند انسان‌ها را به سمت درشت‌گویی، تندخویی و هتاک‌سوق دهد و با تباه کردن اخلاق به تدریج مسئولین را به فساد بکشاند و فساد در میان مسئولین به فساد در جامعه و کشور منجر خواهد شد.



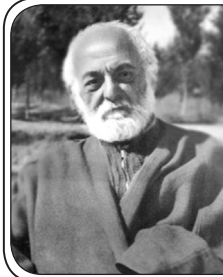
در ادامه مطلبی که پیش روی شماست، خواهید خواند که امام، به صراحت اعلام می‌کنند: «دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد. این را همه از گوشتمان بیرون کنید، من را نمی‌توانید بازی دهید، دعوی همه کسانی که دعوا می‌کنند، برای خودشان است...». این تأکید برگرفته از اعتقاد قلبی امام خمینی بر لزوم تهذیب نفس و خودسازی و ارجحیت آن بر کسب و تسهیل مقام و مسئولیت است و بعد از این مرحله راه اصلی رسیدن به وحدت و پرهیز از اختلاف را تبعیت همه از قانون اساسی و متعهد بودن به اجرای صحیح آن می‌دانند. خوانندگان گرامی روزنامه را به مطالعه گزیده‌ای از بیانات امام خمینی در این زمینه که در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیان فرموده‌اند، دعوت می‌نماییم.

انسان خودش را نمی‌تواند بشناسد به این زودیها؛ انسان تا آخر عمرش، تا آن وقتی که از این دنیا خارج می‌شود، گرفتار یک مسائلی در باطن خودش هست که خودش هم نمی‌تواند بفهمد. باید عرضه کند خودش را انسان به کسانی که بی‌نظر هستند. اگر نظر از راه حب شد، همیشه دنبال این می‌رود که آن مطلبی را که مربوط به آن روشی است که این دوست دارد آن روش را، آن مطلب را، به هر عنوانی که هست ثابت کند، ولو اینکه این عنوانی که هست عنوان خلاف باشد، خلاف اخلاق باشد، خلاف منطق باشد. آئی هم که بغض به یک روشی دارد نظرش نظر سالم نیست، آن هم دنبال این است که آن طرفی که مورد بغض اوست و آن روشی را که نمی‌پسندد، با هر توجیهی که باشد، آن را تصحیح کند. و لهذا می‌بینید که یک مطلب، یک امر، از یکی صادر می‌شود، [در] یک وقت و یک محیط، یک مطلب از یک کسی صادر می‌شود، یک عمل از یکی صادر می‌شود، دو طایفه‌ای که یکیشان این را خوب می‌دانند و دوست می‌دارند و یک طایفه این را بد می‌دانند و دشمن می‌دانند، آن مطلب واحدی که زمانش واحد و همه جهات واحد است وقتی که پیش آنها می‌رود که مورد محبت هست آن آدم. تمام مطالب او را، ولو مخالف با عقل باشد، ولو مخالف با منطق باشد، می‌پذیرند و تأیید می‌کنند، شروع می‌کنند به اینکه خیر، مطلب همین است. و آن دسته‌ای که با این خوب نیستند اگر یک مطلب خوبی هم این بگویند، آنها دنبال این هستند که نه، این حرف صحیح نیست. این دو نظر را انسان مبتلا به آن هست. نظر بیطرف بسیار کم است. یعنی «نظر» بیطرف باشد؛ خود آدم هیچ وقت نمی‌تواند بیطرف بیطرف باشد. لکن در نظر دادن حق را ببیند. تحت تأثیر حق واقع بشود؛ این حق چنانچه از دشمن من هم صادر شد، من او را تمجید کنم به عنوان اینکه حق است. و باطل اگر از دوست من هم صادر شد، آن را تکذیب کنم به عنوان اینکه باطل است. ولو در باطن فرض کنید یکی یک روشی را دوست دارد، یکی روش دیگری را؛ لکن در مقام نظر دادن، در مقام مصلحت اندیشی برای کشور یا برای اشخاص، آن نظر حب و بغض خودش را کنار بگذارد، برود دنبال حق و باطل.

حق هر جا هست باید دنبالش رفت و او را با آغوش باز پذیرفت، ولو برخلاف نظر خود من هست. و باطل را هر چه هست و از هر کس صادر بشود باید نپذیرفت به عنوان اینکه باطل است. اشخاص و گروه‌ها و اینها را باید کنار گذاشت، حق و باطل را ملاحظه کرد. آن وقت هم برای اثبات حق و ابطال باطل اگر انسان گرفتار بشود به عصبانیت و عرض می‌کنم غیظ و غضب کردن، نه می‌تواند حق را به دست بیاورد؛ و نه می‌تواند باطل را ردش کند.

ادامه در صفحه ۲

روایت تاریخ از ورای اندیشه والای واقعی دوران‌دیش



صفحه ۸

انتقاد آیت الله اراکی از تلاش کشورهای اسلامی برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی



صفحه ۷

«دارالکتب الاسلامیه» ستاره فروزان فرهنگ ایران اسلامی



صفحه ۶

دستاورد ۴۰ سال تبلیغ و تلاش، فقط ۳۵ درصد؟



صفحه ۶

امت اسلامی روح حج را فراموش کرده است

به صورت حداقلی نیز محقق نشده چه برسد به اینکه به صورت حداکثری ایفا شود.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس تأکید کرد: یعنی ما به عنوان امت حج را به جایی کشاندیم و رساندیم که نسبت به این مسئله اساسی و مهم حالت بی‌تفاوتی و وضعیتی خنثی‌گونه پیدا کرده است. حتی فراتر گاهی حج به میدانی برای تقویت اختلافات تبدیل شده است؛ حج اصولاً فرصتی برای بازسازی و بازاندیشی در جهت تقلیل اختلافات است تا همه آنچه که امت در هر مقطع برای استواری خود به عنوان امت نیازمند آن است را پمپاژ کند اما این فرصت‌ها به هدر رفته و می‌رود و حتی می‌توان گفت گاهی این فرصت‌ها تبدیل به چالش شده است.



گروه سیاسی - رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس با اشاره به ظرفیت‌های فراوان و استثنائی حج در رابطه با امت اسلامی از جمله تقویت بنیان‌ها و برجسته کردن جهت‌گیری‌های آن گفت: متأسفانه ما حتی حج را با عنوان و یاد امت و با تمرکز بر جنبه‌های مربوط به یک هویت که درون «ناس» است ندیدیم و از حج گاهی فرصت‌هایی ساخته‌ایم که کنار هم ننشینیم؛ در واقع از حج صرفاً مناسکی ساخته‌ایم و دغدغه اصلی ما بیش از مناسک نیست، در حالی که مناسک یک کالبد است که روحی در آن وجود دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی و عضو مجلس خبرگان رهبری، در گفت‌وگو با خبرنگار ایکنا در رابطه با ظرفیت‌های وحدت‌آفرین حج در جهان اسلام گفت: بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حج در راستای تقویت بنیان‌های امت اسلامی، برجسته‌تر کردن جهت‌گیری‌های امت، تقویت شاخصه‌های آن در جهت ایفای نقش نسبت به انسجام امت اسلامی، یکپارچه‌سازی هر چه بیشتر اجزا و بدنه این امت و به روزسازی هویت، نگاه، معنایابی و نقش‌آفرینی این امت، نزدیک‌سازی هر چه بیشتر این امت به پیامبر اکرم (ص)، قرار دادن هر چه بیشتر مذاهب اسلامی در خدمت این امت، حضوربایی شاهدگونه این امت در میان امم جهان، افزایش و ارتقای تعامل این امت و تعایش آن با امم دیگر و پیششاری این امت در همه زمینه‌هایی که دیگران مدعی داشتن آن هستند و اسلام این امت حاوی و متضمن آن است، یک امر ضروری و حیاتی برای امروز جهان اسلام است.

بزرگ‌ترین کارکرد حج متوجه امت است / ما حج را بعضاً به میدانی برای تقویت اختلافات بدل کرده‌ایم

وی ادامه داد: ظرفیت‌های حج در این موارد و ارتقابخشی آن از موضوعات بسیار مهم، حساس، جدی، کانونی و همیشگی فراوری عالمان، فرهیختگان، مدیران و مسئولان جهان اسلام است. به رغم اینکه این موضوع از اساسی‌ترین، مهم‌ترین و بلکه فوری‌ترین مسائل جهان اسلام است ولی باید درمندان و به صورتی کاملاً با احساس تلخی اعتراف کرد ما نسبت به چنین موضوعی، نه علمی و نه عملی، ورود چندانی نداریم.

مبلغی اظهار کرد: به عبارتی رابطه امت و حج که بزرگ‌ترین بعد حج تلقی می‌شود و اساساً بزرگ‌ترین کارکرد حج متوجه به امت است، به صورت گویا به طاق نسیان سپرده شده و در مواردی این نقش از حج به دلیل بی‌توجهی‌های شدید حتی

خدا و «ناس» کلیدی‌ترین مقوله حج

وی عنوان کرد: حج اصولاً ادبیاتی فراتر از امت را خلق کرده ولی تعامل ما با حج، تعاملی دون‌شان امت است و با آنچه که حج به دنبال آن است فاصله اساسی داریم. حج به دنبال دو مقوله خدا و مردم بوده است؛ «لله علی الناس حج البیت». خدا و مردم همیشه در همه ادوار حج به عنوان کلیدی‌ترین مقوله حج تلقی می‌شده‌اند؛ گشتن مردم به عنوان مردم پیرامون خانه خدا. مبلغی با بیان اینکه این مقوله به معنای الغاء همه تعلقات، حتی تعلقات درست است، گفت: ادبیاتی فراتر و دقیق‌تر از خدا و مردم در حج متجلی است؛ خدا یعنی خانه او و «ناس» یعنی انسان‌های از هر تعلق رهیده در حال گردیدن و گشتن بر دور این خانه. اگر این ادبیات را بپذیریم به آن معناست که حج برای الغاء همه تمایزها و تفاوت‌ها، حتی تمایزهای درست، بسیار سنگ تمام گذاشته و مسئله را خیلی فراتر و در افقی بالاتر دیده است.

عضو مجلس خبرگان رهبری تصریح کرد: حتی با وجود همه عظمت امت، اما جایی بیان نشده که امت بر دور خانه خدا بگردند، بلکه امت با شأن «ناس» بودن آنها که یک شأن قوی‌تر، اساسی‌تر و فراتر است و به معنای الغاء همه تفاوت‌هاست، مطرح شده است. حج با این الهامات، نگاه‌ها، ادبیات، دوران‌دیشی، کم کردن فاصله خدا و بندگان خدا و به عنوان یک فرصت عظیم فراتاریخی در دست‌ان و نگاه‌های ما قرار گرفته اما آن روح و اساس حج در یک وضعیت به فراموشی سپرده شده، مهمل گذاشته شده، نادیده انگاشته شده قرار گرفته است، بلکه حتی تمایزبندی‌های مشروع، مانند تمایز امت با غیر امت، در نگاه ما و در تعامل ما با حج مورد توجه قرار نگرفته است.

ادامه در صفحه ۸

ادامه از صفحه اول

تدریجی بودن فساد و تباهی

مهم در همه افراد، و خصوصاً شما آقایان که در مجلس هستید، و مجلس مبدا همه چیزهایی است که در کشور واقع می‌شود، مهم این است که در مقام بیان مسائل ورد مسائل، انتقاد و تکذیب، به آنجا نرسد که قوه عقليه کنار، و با قوه غضبيه انسان وارد میدان بشود. اگر یک کسی هم فرض کنید از زبانش یک مطلبی برخلاف شما صادر شد، شما بروید و مطلب را منطقی صحبت کنید، با داد و فریاد و خدای نخواسته حرف زشت زدن کار درست نمی‌شود. جز اینکه اگر خدای نخواسته این امور تکرار بشود در مجلس، کم کم هیچ امر فاسدی یکدفعه سراغ آدم نمی‌آید. شیطان باطنی انسان بسیار استاد است. و او همچو نیست که ابتدا انسان را به فساد بکشد. ابتدا قدم کوچکی را و می‌دارد که انسان بردارد. این قدم که برداشت، فردایش یک قدم یک قدری بلندتری. انسان را یواش یواش به جهنم می‌فرستند؛ یواش یواش به فساد می‌کشد. همه اینهایی که می‌بینید فاسد شدند این طور نبودند که اینها از اول به این درجه از فساد بودند؛ بلکه کُلِّ مَوْلُودِ یَوْلَدُ عَلَی الْفِطْرَةِ و این طور هم نبودند که یکدفعه جهش کرده باشند از یک مرتبه‌ای به مرتبه بالای فساد. این طور هیچ وقت نبوده است. این بتدریج واقع شده است. اینهایی که دیکتاتور شدند این طور نبوده است که از اول دیکتاتور زاییده شده باشند. آنها هم مثل سایر مردم [بودند]. بعد هم وقتی که به مقامی رسیدند، این طور نبوده است که از اول دیکتاتوری کرده باشند. لکن قدم بقدم، ذره به ذره، رو به دیکتاتوری رفتند، یک وقت هیتلر از کار درآمدند؛ یک وقت استالین از کار درآمدند. شیطانی که در باطن انسان است با کمال استادی انسان را به تباهی می‌کشد. اگر از اول بگوید که تو بیا برو یک آدمی را بکش، هرگز نخواهد رفت. از اول انسان را وادار می‌کند که این آدم چه طور است، یک غیظی به او بکن. بعد یک قدری زیادت. تا کم‌کم مهیا می‌کند انسان را از برای اینکه آدم هم می‌کشد! همه اینهایی که فاسد هستند بتدریج فاسد شدند؛ هیچ کس یکدفعه فاسد نشده است. و هیچیک از ماها هم تصور نکنیم که مامون از این هستیم که فاسد بشویم. همه در معرض فساد هستیم. همه ما دست به گریبان شیطان [هستیم]. [و خصوصاً شیطان نفس، همه گریبانمان به دست اوست. و هیچ کس هم از ابتدا فاسد فاسد نبوده است. و هیچ کس هم مامون نیست از اینکه به فساد و به دام شیطان نیفتد. اگر کسی مراقب حال خودش باشد، توجه به مسائل انسانی داشته باشد، با مراقبت و با اینکه خودش را محاسبه کند، اگر فرض کنید در مجلس، یا در جای دیگر، یک روزی گذشته است که در آنجا مسائلی پیش آمده است، شب برود حساب کند ببیند که واقعا اینکه من امروز گفتم مبدا این چه بود، مبدا شیطانی داشت یا مبدا الهی داشت، اگر محاسبه کند آدم شب از خودش و خودش را در محاسبه قرار بدهد که امروز تو این صحبت را کردی، این مبدا، مبدا شیطانی بوده است نه مبدا انسانی و الهی، ممکن است کم کم دنبال این برود که اصلاح کند. و اگر این کار را نکند و همان رویه را تعقیب بکند، هیچ بعید ندانید که یک نفر زاهد، عابد، مسلمان، همه چیز، یک انسان فاسد شقی از کار درآید. مامون نیست هیچ کس...

شخص پرست نبودن و اسلام خواهی ملت

و اما مطلبی که به طور کلی می‌خواهم عرض بکنم؛ این ملت ما، که از اول قیام کرد و به ما

منت گذاشت و وارد شد در صحنه و مقابل همه قدرتها ایستاد و رای داد به این جمهوری و تا آخر و شکست داد طرفهای مقابل را، این ملت ما سر جای خودش هست. این شیاطین که می‌گویند که ملت دیگر چه طور و چه طور است، اینها توی اتاقهای خودشان نشسته‌اند حساب می‌کنند. اینها نمی‌روند که این ملت میلیونی را محاسبه بکنند که این ملت هر وقت که یک صدایی بلند بشود و بخواهد. فرض کنید از اسلام یک طرفداری بشود، همه ملت سرتاسر. الا یک دسته کوچکی که به اسلام اعتقاد ندارند. آنها هم وقتی که ملت آمدند یک طرف، آنها هم در ملت محو می‌شوند [به خیابانها می‌ریزند]. این معنا را که هی دیده می‌شود که [می‌گویند] باید یک کاری بشود که ملت راضی بشود، ملت اسلام را می‌خواهد؛ کاری بهتر از اسلام چی؟ چه می‌خواهید بکنید؟ شما کارهایتان را خوب بکنید. ملت ایران رای داده است به جمهوری اسلامی؛ هرچه زحمت داشته و توان داشته است در طبق اخلاص گذاشته است گفته ما اسلام را می‌خواهیم؛ شما اگر با اسلام بد هستید، خوب تشریف ببرید اروپا و امریکا و هرجا دلتان می‌خواهد، آنجا زندگی کنید. یا همین جا زندگی کنید و اگر ملت را می‌خواهید، هی نگویید که «ملت با من است»، «ملت با من است». ملت با اسلام است. نه با من است و نه با شما و نه با دیگری. من اگر یک کلمه‌ای بر خلاف اسلام بگویم، همین ملت می‌ریزند و من را از بین می‌برند. ملت اسلام را می‌خواهد. ملت شخص نمی‌خواهد. شخص پرست نیست ملت. ملت می‌خواهد که قوانین اسلام در این مملکت پیاده بشود. ملت این همه زحمت کشیده است که دین اسلام را برقرار کند در یک مملکتی که صدها سال و در این اخیر پنجاه سال کوشش شد به اینکه اسلام را کنار بگذارند؛ کوشش شد به اینکه روحانیت را کنار بگذارند و تضعیف کنند. ملت روحانیت را به تبع اسلام می‌خواهد. اگر خدای نخواسته روحانی هم برخلاف اسلام بکند، آن هم یک ساواکی است. فرقی نمی‌کند. بدتر از ساواکی هم هست! این معناها را از گوشه‌پایشان بیرون کنند آقایان که این مردم دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفته‌اند. خیر، شماها کنار رفته‌اید. شما خودتان را علاج کنید. مرض‌های باطنیتان را علاج کنید که نویسند که این مملکت دیگر رفته از بین. این مملکت از بین نرفته؛ و این جمهوری اسلامی هم سر جای خودش هست؛ و این مردم هم دنبال جمهوری اسلامی هستند؛ و این مردم هم از مجلس، مادامی که مجلس بر طریقه اسلام باشد، و از دولت، مادامی که دولت بر طریقه اسلام باشد، و از رئیس جمهور، مادامی که رئیس جمهور در طریق اسلام باشد، طرفداری می‌کنند. هر کدامتان بلغزید، مردم دیگر از شما طرفداری نمی‌کنند. برای اینکه مردم اسلام را می‌خواهند. امر دایر می‌شود بین من، و پیغمبر اکرم؛ کدام مسلمان است که ترجیح بدهد من را؟ امر دایر می‌شود بین شما، و اسلام؛ کدام مسلمان است که شما را بر اسلام ترجیح بدهد؟ این خیالها را از کله‌هایتان بیرون کنید که الآن اگر وضعی بشود، مردم دیگر آن مردم نیستند. مردم اسلام را می‌خواهند. تا آخر هم می‌خواهند.

این قلمها یک قدری ملاحظه بکنند این مسائل را. همین طور می‌نشینند توی خانه‌هایشان حکم می‌کنند ملت این طوری است! خوب، ملت اینهاست که شما می‌بینید که در کوچه و بازار و آنهایی که در جنگ هستند و آنهایی که هر روز می‌آیند و می‌گویند که ما می‌خواهیم برویم جنگ. ملت من و تو نیستیم! ملت آنها هستند. میزان

بهره ای از کلام امام خمینی درباره لزوم پرهیز از اختلافات

دعواها و اختلافات برای خدا نیست، مرا نمی‌توانید بازی دهید

آنها هستند. هی ننشینید و بگویید که مردم چه شده‌اند؛ مردم دیگر مایوس شدند؛ مردم کذا شدند. نخیر، مردم از اسلام مایوس نمی‌شوند. کارهای ما هم هر کدام فاسد است، می‌گویند کار تو فاسد است، ولی ما جمهوری اسلامی را می‌خواهیم.

توصیه به کنترل قلم‌ها

یک قدری قلمها را کنترل کنید. یک قدری حفظ کنید خودتان را. این قدر تبعیت از هوای نفس نکنید. این قدر تبعیت از شیطان نکنید. مسائل را یک مسائل صحیح طرح بکنید. مسائل فاسد طرح نکنید. نگویید هی که ما حالا دیگر باید چه بکنیم؛ حالا باید چه بشود. خوب، کارها شده است تا حالا. تا حالا هم الحمدلله خوب هم شده است. البته یک مملکتی که پنجاه سال، بلکه ۲۵۰۰ سال، رو به تباهی کشاندنش، می‌خواهید فردا صبح همه مردم صحیح بشوند؟! همه ارگانها ارگانهای صحیح اسلامی بشود؟ اگر شماها بگذارید، اگر اینهایی که الآن دنبال مفسده جویی هستند مهلت بدهند، می‌شود. شما هم نگذارید می‌شود؛ منتها یک قدری دیرتر می‌شود. شماها که مسلمان هستید، اعتقاد به اسلام دارید، شماها یک قدری مهلت بدهید به این مملکت که دارد از هر طرف به او حمله می‌شود. دیگر شما حمله نکنید!...

ضرورت پابندی همه به قانون

من همیشه میل دارم که همه طبقاتی که هستند، همه کسانی که در صحنه‌ها حاضر هستند همه با هم بنشینند اصلاح کنند مسائل را. هی ننشینند آن از آن ور بخواهد او را از بین ببرد، او از آن ور بخواهد که او را از بین ببرد؛ و مسئله را به بن‌بست برسانند و مملکت را به بن‌بست. شما به بن‌بست رسیدید! اشتباه می‌کنید. مملکت اسلام که به بن‌بست نمی‌رسد. همین مردم، همین پیرزنها و پیرمردها و جوانها و بچه‌ها، از این بن‌بستها بیرون می‌آورند این مملکت را. شماها به بن‌بست رسیدید، می‌گویید خوب، چه بکنیم؛ بگذارید اسلام نباشد تا ما باشیم! بگذارید ایران نباشد، شما ایستاده‌اید تا پای اینکه ایران نباشد! دست بردارید از فضولیها! برای خدا کار بکنید. برای خدا آرامش بگیرید. برای خدا دعوت به آرامش بکنید. برای خدا توی سر هم زنید. این قدر هی می‌گویند آقایان -چند روز پیش از این آقای حجتی آمده بودند اینجا- که ما می‌خواهیم یک جمعیتی درست کنیم. جمعیت «وحدت» و کذا.

گفتم آقا این نمی‌شود. شما می‌بینید که اگر درست کنید چند تا جمعیت هم، جمعیت فرض کنید که چه درست می‌شود با این حرفها درست نمی‌شود، نه با مصاحبه درست می‌شود؛ نه با چی. بله، خصوصی بنشینید با هم چه بکنید. بترسید از اینکه یک وقت یک انفجاری حاصل بشود و همه ما را به باد فنا بدهد. از این بترسید شما! مغرور نشوید به اینکه من آن هستم که فلان کار، چیز بود، رستم یلی بود در کذا! مغرور نشوید.

این مردم اسلام را می‌خواهند. اگر پایتان را از اسلام کنار بگذارید این طلبه‌ای که اینجا نشسته با کمال قوا با شما مخالفت می‌کند. همه ملت اسلام هم اسلام را می‌خواهند. من اول سال به آقایان عرض کردم که این سال خوب است سال اجرای قانون باشد. باید حدود معلوم بشود. آقای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آن ور بگذارد من با او مخالفت می‌کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. آقای نخست‌وزیر حدودش چه قدر است، از آن حدود نباید خارج بشود. یک قدم کنار برود با او هم مخالفت می‌کنم. مجلس

حدودش چه قدر است، روی حدود خودش عمل کند. شورای نگهبان حدودش چه قدر است؛ قوه قضاییه حدودش چی است؛ قوه اجرائیه. قانون معین شده است. نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری! قانون ترا قبول ندارد. نباید از مردم پذیرفت، از کسی پذیرفت، که ما شورای نگهبان را قبول نداریم. نمی‌توانی قبول نداشته باشی. مردم رای دادند به اینها، مردم شانزده میلیون تقریباً یا یک قدری بیشتر رای دادند به قانون اساسی. مردمی که به قانون اساسی رای دادند منتظرند که قانون اساسی اجرا بشود؛ نه هر کس از هر جا صبح بلند می‌شود بگوید من شورای نگهبان را قبول ندارم، من قانون اساسی را قبول ندارم، من مجلس را قبول ندارم، من رئیس جمهور را قبول ندارم، من دولت را قبول ندارم. نه! همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو برخلاف رای شما باشد. باید بپذیرید، برای اینکه میزان اکثریت است؛ و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه ما باید بپذیریم. من هم ممکن است با بسیاری از چیزها، من که یک طلبه هستم، مخالف باشم. لکن وقتی قانون شد [تصویب] خوب، ما هم می‌پذیریم. بعد از اینکه یک چیزی قانونی شد دیگر نق زدن در آن، اگر بخواهد مردم را تحریک بکند، مفسد فی الارض است؛ و باید با او دادگاهها عمل مفسد فی الارض بکنند. و اگر نه، رای می‌دهد آرام. با رای آرام هیچ کس مخالف نیست... این مردم بیچاره همه چیز را قبول دارند؛ این من و شما هستیم که هر جا بر خلاف مصلحت ما باشد اساس را می‌گوییم قبول نداریم. هر جا هر کس برخلاف من است این اصلاً مسلمان هم نیست و هر که بروفق من است، اگر شمر هم باشد این ابوذر است! این یک مطلبی است که در باطن ذات هر کس هست. اصلاح کنید خودتان را. در باطن ذات همه هست که آن که با من خوب است خوب است؛ و آن که با من بد است بد. نه آنکه به حسب حکم خدا خوب است و به حسب واقع خوب است، نخیر، آئی که با من خوب است آن میزان است. آن قانون میزان است که برای من باشد؛ و آن مجلس میزان است که برای من باشد؛ آن که برای من نباشد آن فاسد است! این یک چیزی است که در قلب همه است، اختصاص به یکی و دو تا ندارد. هر کسی هر چیزی را برای خودش می‌خواهد همه مردم هر چیزی را برای خودش می‌خواهند، الا آنهایی که بالاتر از این طبقات هستند. البته هر کس این طور است. اما در مقام تدبیر امور یک مملکت و در مقام اداره یک مملکت، باید همه شماها و همه کسانی که دست اندر کار هستند و همه ملت بپذیرند آن چیزی را که، قانون اساسی پذیرفته است. بپذیرند آن چیزی را که مجلس به آن رای می‌دهد و شورای نگهبان آن را موافق قانون و موافق شرع می‌داند. باید بپذیرند اینها را. اگر می‌خواهید که از صحنه بیرونتان نکنند، بپذیرید قانون را. نگویید هی قانون، و خودتان خلاف قانون بکنید! بپذیرید قانون را. همه‌تان روی مرز قانون عمل بکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید. همه اختلافات این است که یک کسی اینجا فرارش را انداخته، یکی هم اینجا فرارش را؛ اگر این روی فرش خودش بنشیند و آن هم روی فرش خودش بنشیند دعا ندارد. اما اگر این پایش را دراز کرد روی فرش او، او پایش را کنار می‌زند. و او هم می‌خواهد پایش را دراز کند اینجا؛ دعا اینجا پیدا می‌شود.

ادامه در صفحه بعد

که در مناطق تحت اشغال گروه های تروریستی - از جمله جبهة النصرة - فعالیت می کند. این گروه که مدعی اقدامات امداد و نجات است، به حمایت از گروه های تکفیری مخالف دولت سوریه و ساختن اخبار و فیلم های دروغ برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جهان متهم است.

۲. کتاب «نهر الذهب في تاريخ حلب» تألیف «کامل بن حسین الحلبي الغزي» متوفای ۱۹۳۳ م. ۳. کتاب «المفصل في تاريخ القدس» تألیف «عارف العارف» متوفای ۱۹۷۳ م.

۴. «أبو الحسن علي بن الحاكم بأمر الله» ملقب به «الظاهر لإعزاز دين الله» و معروف به «علی الظاهر»، هفتمین خلیفه از خلفای فاطمی بود که بر مصر، فلسطین، سوریه و ... حکومت کرد. وی از امامان اسماعیلی محسوب می شود و به اعتقاد اسماعیلیان طول دوران امامت او شش سال بوده است. علی الظاهر در سال ۴۲۷ ق. (۱۰۳۶ م.) در ۳۲ سالگی درگذشت.

بزرگترین جریان مخالف آل خلیفه اعلام کرد:

۵ هزار قربانی شکنجه در زندان های بحرین

جمعیت ملی - اسلامی الوفاق اعلام کرده که از آغاز انقلاب این کشور در سال ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۹۰) تاکنون ۵ هزار و ۹۸ نفر قربانی شکنجه در زندان های آل خلیفه شده اند.

جمعیت الوفاق، بزرگترین جریان مخالف دولت بحرین، خاطرنشان کرد، تنها طی شش ماه اول سال جاری میلادی شمار قربانیان شکنجه از سوی دولت بحرین به ۲۰۱ نفر رسیده است. در گزارشی که این جمعیت به مناسبت روز حمایت از قربانیان شکنجه منتشر کرد، آمده است: با این که بحرین تفاهم نامه مبارزه با شکنجه را امضا کرده است حکومت این کشور انواع شکنجه های جسمی و روحی را از زمان بازداشت فعالان در اتاق های مخفی تحقیق و در طول دوران زندان با هدف اعتراف گیری اجباری انجام می دهد.

بر اساس این گزارش، حکومت بحرین علاوه بر اعتراف گیری اجباری از محکومین، از اعمال شکنجه، اهدافی همچون تعطیل شدن درخواست های مدنی و ایجاد ترس در جامعه و ممانعت از تلاش فعالان مدنی برای پیگیری حقوق خود را دارد.

این بیانیه خاطرنشان کرده، جنایت شکنجه علیه زندانیان عقیدتی تاکنون منجر به شهادت شماری از آنها در داخل زندانی های نظام یا بعد از آزادی آنها شده است ضمن اینکه بسیاری از زندانیان آزاد شده از بیماری هایی که بر اثر شکنجه به آن مبتلا شده اند، رنج می برند.

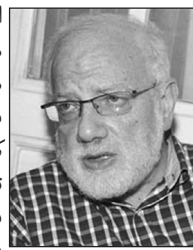
الوفاق در بیانیه خود به مواردی مانند ضرب و شتم، اهانت، بدرفتاری، تجاوز جنسی، جلوگیری از خوابیدن، ممانعت از درمان و ارتباط با خانواده در حق زندانیان اشاره و تصریح کرده، شکنجه، سیاست سازمان یافته نظام بحرین و هزینه دمکراسی خواهی حقیقی در بحرین است و نبود کنترل و بازخواست باعث تشدید روند شکنجه شده است.

این بیانیه از جامعه جهانی خواسته برای عمل به وظایف خود گروه های حقیقت یاب مستقل در خصوص پرونده شکنجه زندانیان عقیدتی در بحرین تشکیل دهند.

بحرین از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ صحنه انقلاب مردمی ضد نظام آل خلیفه است. مردم بحرین خواهان آزادی، برقراری عدالت و رفع تبعیض و روی کار آمدن دولتی منتخب در کشورشان هستند.

تغییر بافت سرزمین های شیعی؛ از «قدس» تا «فوعه و کفریا»

اتوبوس ها و آمبولانس هایی که به مدت ۲۴ ساعت در منطقه راشیدن معطل بوده و درصدد انتقال پنج هزار شهروند فوعه و کفریا بودند، منفجر کردند. این خبرگزاری افزود که انفجار تروریستی به شهادت و جراحت ده ها شهروند - که اغلب آنان کودک و زن بودند - و نیز تخریب اکثر اتوبوس ها و آمبولانس ها انجامید.



به قلم: احمد راسم النفیس (اندیشمند مصری و عضو مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع)) ترجمه: محمدرضا جابروند (تحریریه خبرگزاری ابنا)

اشاره: تخلیه کامل دو شهرک شیعه نشین «فوعه» و «کفریا» همانقدر که به خاطر نجات جهان پیروان مظلوم

اهل بیت (ع) از محاصره طاقت فرسای تروریست های تکفیری شادی آور بود، به همان اندازه نیز پیامی غم انگیز با خود داشت؛ کوچ دادن شیعیان از سرزمینی که قرن ها در آن زیست می کردند و تبدیل آن خطه به منطقه ای غیر شیعی.

دکتر «احمد راسم النفیس» از اندیشمندان مستبصر مصری در یادداشت زیر، به پایان محاصره سه ساله فوعه و کفریا پرداخته و این موضوع را از منظر فوق الذکر مورد بررسی قرار داده است.

خداوند متعال می فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ * ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فِرْقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ... - و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید (و بر این پیمان) گواه بودید * اما این شما هستید که یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می نمایید (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته اید) ...» (البقرة، ۸۴-۸۵).

سرانجام و پس از ۳ سال محاصره کامل مناطق «فوعه» و «کفریا» در استان «ادلب» واقع در شمال سوریه و اقدامات مستمر و بمبارانی که تنها به جرم «شیعه اهل بیت (ع) بودن ساکنان این دو منطقه» صورت می گرفت، این بار توافقنامه اجرا شد.

گروه های تروریستی پیش از این و در آوریل ۲۰۱۷ با انفجار تروریستی اتوبوس های انتقال اهالی فوعه و کفریا در منطقه «راشدین» واقع در غرب حلب، اجرای این توافقنامه را ناکام گذاشته بودند؛ انفجاری که طی آن بیش از ۲۲۰ تن شهید و مجروح شدند.

خبرگزاری سانا آن زمان گزارش کرد که تروریست ها خودروی بمب گذاری شده را در منطقه تجمع

ادامه از صفحه قبل

هوای نفس، منشا تمام دعواها

دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد. این را همه از گوشستان بیرون کنید! همه تان همه ما، از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است، ما برای مصالح اسلام دعوا می کنیم. خیر! مسئله این حرفها نیست. من را نمی شود بازی داد! دعوی خود من و شما و همه کسانی که دعوا می کنند همه برای خودشان است.

همه می گویند پیش بده برای ما! همه می خواهند تمام این قدرت چی چی. آخر من نمی فهمم چه قدرتی الآن در کار هست! خوب، محمدرضا اگر دنبال این مسائل می رفت مطلبی بود، برای اینکه یک قدرتی بود. قدرت شیطانی بود. کسی حق نداشت یک کلمه بگوید؛ اما امروز که بقال سر محله می آید و می گوید که برادر نخست وزیر اینجا این کار درست نیست، برادر رئیس جمهور این کار درست نیست، این دیگر قدرتی نیست. یک برادری است، یک دسته برادرند، یک دسته شان شانشان آورده است آنجا نشسته اند؛ یک دسته بیچاره هم برای اینها سینه می زنند! قدرت نیست که ما حالا برای یک قدرتی بیاییم. اینها تلبیسات

ابلیس است که بر ما غلبه کرده است. و این تلبیسات ابلیسی را چنانچه مسامحه کنید، شما را به جهنم می فرستد! در همین دنیا هم به تباهی می کشد. در همین دنیا ایستاده است این تلبیس نفسانی و این شیطان نفس ایستاده است تا آنجایی که همه چیز دنیا را به باد فنا بدهد. هیتلر حاضر بود تمام بشر از بین برود، و خودش در آن قدرت همان آلمان باقی باشد. آن نژاد بالاتر و این چیزی که در مغز هیتلر بود در مغز همه شما هست! خودتان غفلت کرده اید.

در مغز همه این مطلب هست که همه بروند و من [باشم]! تا نروید سراغ اینکه یک انصافی در کار باشد، یک توجهی به خدا در کار باشد. یک حساسی در کار باشد، که خودتان از خودتان حساب بکشید که من امروز می خواهم چه بکنم، می خواهم همه مملکت ایران را به هم بزنم برای اینکه من باشم و هیچ کس نباشد نه، همه باشید، و همه هم حفظ کنید مملکت را. همه باشید، و همه روی قانون عمل بکنید قانون اساسی را باز کنید، و هر کس مرز و حد خودش را تعیین کند. به ملت هم بگویند که قانون اساسی ما برای دولت این را وظیفه کرده است؛ برای رئیس جمهور این را؛ برای مجلس این را؛ برای فرض کنید فلان کار برای ارتش این را. برای

ساکنان این دو منطقه صدها سال در این سرزمین زندگی کردند تا اینکه طوفان عاد و ثمود بازگشت و آنها را به ظلم و دشمنی، از سرزمین و دیار خود خارج ساخت.

اما مسأله شرم آور این است که آنچه در قرن بیست و یکم درباره کفریا و فوعه و پیش از آن برای «نبل» و «الزهراء» رخ داد، روزگاری دقیقاً برای مناطق دیگری نیز اتفاق افتاد که دارای اکثریت شیعه بود؛ مناطقی که در خیال مردم این زمان نیز نمی گنجد که زمانی، سرزمین هایی شیعی بوده باشند. «قدس» یکی از این شهرهاست!

«عارف پاشا» در کتاب «تاریخ قدس» (۳) می نویسد: «قدس در سال ۹۶۹ میلادی به شهری فاطمی میدل شد و در آن زمان، بیست هزار تن از ساکنان آن را شیعیان تشکیل می دادند. این شهر به خاک و صابون و انجیر و پنبه و انگور خود شهرت یافته بود؛ اما از بُعد سیاسی و اهمیت، پس از شهر «الرملة» قرار داشت. یکی از مؤسسای که فاطمیان در بیت المقدس ایجاد کردند «البیمارستان» نام داشت که اولین درمانگاهی بود که در این شهر تأسیس شد و مبالغ هنگفتی توسط نیکوکاران برای آن خرج می شد. همچنین «دارالعلم» که شعبه ای از «دارالحکمة» مصر بود نیز در سال ۱۰۰۴ میلادی در این شهر راه اندازی شد.»

همانگونه که عارف پاشا ذکر کرده است «الظاهر لإعزاز دين الله» خلیفه فاطمی (۴) پس از وقوع زلزله در قدس، به بازسازی مسجد الاقصی پرداخت. گنبد این مسجد در حال تخریب بود اما وی به تعمیر آن شتافت و گنبدی بهتر از سابق بر این مسجد بنا نمود.

پس از این دوران، شیعیان و عموم مسلمانان شهر قدس دو بار به وسیله اوباش سلجوقی - اجداد «اردوغان» - و سپس به دست اشغالگران فرنگی مورد نسل کشی قرار گرفتند؛ به گونه ای که آن «حقیقت تاریخی» از صفحه روزگار محو شد و اینک دیگر کسی از آن یادی نمی کند.

خلاصه کلام اینکه هم اکنون جهان اسلام در دوره ای وهابی و سیاه به سر می برد و به لحاظ اخلاقی، در انحطاطی بیشتر از اخلاق ابوجهل و ابولهب را شاهد است؛ و لذا نه و اینا علیه راجعون.

پی نوشت ها:

۱. «سازمان دفاع مدنی سوریه» معروف به «کلاه سفیدها» (به عربی: الخوذ البيضاء) گروهی است

همه وظیفه معین کرده است. به مردم بگویند در قانون اساسی که شما رای دادید برایش، وظیفه ما این است. در لفظ فقط نباشد، و در واقع خلاف. واقعاً سرفروید بیاورید به قانون؛ و واقعاً سرفروید بیاورید به اسلام. لفظ را همه می گویند. شاید شیطان را هم ازش بپرسند، می گوید من انقلابی هستم! امروز همه انقلابی هستند! امروز همه دلسوز برای ملت هستند! امروز دعوی اینکه ما همه جنگ هم رفته ایم. و شما دیدید که یک دسته نوشته اند که ما از اول در جنگ چه بودیم. گفته اند. خوب، من هم می توانم بگویم من در صف اول جنگ دارم جنگ می کنم، ولی اینجا افتادم همینطور. باید به حسب واقع، به حسب انصاف، به حسب وجدان، این مردمی که شماها را روی کار آورده اند، این مردم زاغه نشین که شماها را روی مسند نشاندند ملاحظه آنها را بکنید، و این جمهوری را تضعیفش نکنید. بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست، و یک انفجار حاصل بشود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از «ایام الله» خدای نخواست. باز پیدا بشود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می خوانند!

صحیفه امام، جلد ۱۴، صص ۳۶۵ تا ۳۸۰

آیت الله سید تقی رضایی جواهریان (جواهری) مدرس خارج فقه و اصول و تفسیر و عضو مجمع عمومی جامعه مدرسین و از اعضای پرسابقه هیأت متحنه امتحانات شفاهی در این گفت‌وگو به تبیین دوره‌های مختلف زندگی خود پرداخت.

مایلیم در ابتدای گفت‌وگو، از خانواده پدری و مادری خود برای ما بفرمایید و اینکه چطور شد پدرتان به قم تشریف آورد؟

پدر اینجانب آیت الله سید حسن جواهری تهرانی و مادرم از دودمان علمای خسرو شاه تبریز بودند. پدرم نقل می‌کرد: «در زمانی که حوزه علمیه قم به دست مرحوم آیت الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی تأسیس شد، در بازار تهران مشغول جواهرسازی بودیم. یک شب در حالی که با پدر و برادران دور هم نشسته بودیم، گفت‌وگویی به میان آمد و می‌گفتیم: اکنون که آخرالزمان است باید به قم یا به اطراف قم پناه ببریم. ابتدا برادر بزرگم [مرحوم آیت الله سید عبدالرسول جواهری] پیشنهادی مطرح کرد که خوب است همگی به قم برویم. ما هم هم‌صدا شدیم و این پیشنهاد را پسندیدیم که همگی از کاردست بکشیم و راهی قم بشویم. بالاخره با وسایل آن زمان خودمان را به قم رساندیم و مشغول تحصیل علوم دینی شدیم.» پدرم در قم با صبیبه یکی از بازاریان تبریز به نام سید هاشم خسروشاهی که در قم ساکن بود، ازدواج کرد. مرحوم سید هاشم خسروشاهی، انسان متدینی بود که دو تا دختر داشت. داماد اولش مرحوم آیت الله شیخ ولی الله نهاوندی، پدر امام جمعه و نماینده مردم نهاوند، مرحوم آیت الله حیدری نهاوندی از شهدای هفتم تیر بود و داماد دوم ایشان پدرم است. پدر مادر بنده، مرحوم سید هاشم خسروشاهی از سادات خسروشاه تبریز بود و همسری داشت که با مرحوم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی صاحب حاشیه بر مکاسب قوم و خویش بود؛ یعنی پدر آقایان خسروشاهی‌ها. البته همه شخصیت‌های معروف خسروشاهی فوت کردند و فقط آیت الله سید هادی در قید حیات است. مادرم نقل می‌کرد و می‌گفت: «یک بار که آیت الله سید مرتضی خسروشاهی به قم آمد، به منزل ما تشریف آورد و نگاهی به شما کرد و مبلغی را به من داد و گفت برای این آقا زاده گاوار دین بخرید.» گاوار دین لباس ضخیم بود که در زمستان پوشیده می‌شد.

حاصل ازدواج پدر و مادرتان چند فرزند است؟
حاصل ازدواج پدر و مادرم شش پسر و سه دختر است. یکی از آن سه دختر که خواهر بنده باشد، همسر حجت الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا تهران، فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی است. مرحوم آیت الله تهرانی استاد اخلاق حوزه علمیه قم بود و فرزند ارشد ایشان پس از فوت فرزند اولشان حاج احمد آقا تهرانی است. سال ازدواج پدر و مادرم را دقیق نمی‌دانم؛ اما آن سالی که مرحوم آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم آمدند، پدرم هنوز مجرد بود و پس از آنکه با برادرانش به قم آمد، ازدواج کرد. مرحوم حاج سید هاشم خسروشاهی ابوالزوجه پدرم انسان متدین و مؤمن و تاجر تبریز بود که دو تا دختر داشت و یکی از دخترهای ایشان به عقد پدرم آمد.

آیا پدرتان در زمان پهلوی فعالیت‌های سیاسی داشت؟ ارتباط ایشان با مرحوم حضرت امام چگونه بود؟

بله. در زمان حکومت رضا خان و بعد از جریان دستور کشف حجاب او، یکبار پدرم در مدرسه فیضیه سخنان تندى ایراد کرد؛ مبنی بر اینکه این رضا خان دین ندارد و اگر دین داشت، چرا باید دستور بدهد چادر از سر زنان ما برداشته بشود. در همان زمان بعد از این صحبت‌ها بلافاصله ابوی ام را

دستگیر کردند. کار ایشان به سر حد اعدام هم رسید؛ ولی خدا کمک کرد و اتفاقی نیفتاد و ایشان پس از چند ماه از زندان آزاد شد.

وقتی امام از زندان تهران آزاد شد، به دیدار علما رفت؛ چون به هر حال علما و مردم بابت دستگیری ایشان اعتراض کرده بودند و امام به عنوان تشکر به دیدار بعضی از علمای محله‌ها می‌رفتند؛ از جمله به دیدار ابوی آمدند. ابوی ما رو به امام کرد و عرض کرد: «آقا، وظیفه من چیست؟ چه کاری باید انجام بدهم؟» امام به ایشان فرمودند: «شما به وظیفه خودتان عمل کردید.» منظور امام این بود که در زمان رضاخان به عملکرد او اعتراض کردید و به زندان افتادید. در آن زمان کسی جرأت نمی‌کرد علیه رضاخان حرفی بزند.

لطفاً مطالب بیشتری از ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی پدرتان برای ما نقل بفرمایید.

یک بار با پدرم پای منبر مرحوم حاج انصاری قمی بودم. ایشان از منبری‌های معروف قم و حافظ روایات زیادی بود که در منبرهای خود آن‌ها را بیان می‌کرد. مرحوم انصاری قمی نگاهی به ابوی ما کرد و وقتی دید که ایشان هم پای منبر حاضر است، شروع به تعریف و تمجید از پدرم کرد که در زمان رضاخان چه شجاعتی به خرج داد و در مقابل رضاخان ایستاد و... وقتی از منبر پایین آمد، ابوی به ایشان عرض کرد: «آقا، هر وقت بنده را پای منبر خود دیدید، از من تجلیل نکنید.»

ابوی ما در پی مال و منال دنیا نبود و فقط با شهریه طلبگی زندگی خود را اداره می‌کرد. با یکی از علمای ارومیه آیت الله رضایی و مرحوم آیت الله حاج سید ابوالحسن روحانی، (عموی آیت الله العظمی حاج سید صادق روحانی و پدر آیت الله حاج سید مهدی روحانی) کتاب ریاض را مباحثه می‌کردند. پدرم امام جماعت مسجد جامع قم بود که مسجد قدیمی و بزرگی است. وقتی ماه مبارک رمضان می‌شد، آیت الله العظمی بروجردی را به آنجا دعوت می‌کرد تا در آنجا نماز بخواند؛ چون مسجد اعظم هنوز ساخته نشده بود. ابوی می‌گفت: «روزی آیت الله بروجردی پیغام فرستاد که بگویید خود آقای جواهری امروز نماز بخواند. اطرافیان به ایشان گفتند: آقا، حالتان مساعد نیست؟ فرمودند: نه، حالم مساعد است، ولی بگویید امروز را ایشان نماز بخواند. وقتی اصرار می‌کنند که علت را بگوید، آیت الله بروجردی می‌فرمایند: می‌خواهم مردم قدر ایشان را بدانند.» یعنی آیت الله بروجردی یک روز را به نماز جماعت نمی‌آید تا مردم قدر پدرم را بدانند.

شما خودتان در چه سالی و در کجا به دنیا آمدید و تحصیلات حوزوی خود را چگونه و نزد چه کسانی ادامه دادید؟

بنده در سال ۱۳۲۳ در قم متولد شدم. بعد از اینکه دوره ابتدایی را گذراندم وارد حوزه علمیه قم شدم. مدتی در قم مشغول تحصیل بودم تا سطوح عالی‌ه تمام شد ولی در تمام این مدت در امر تبلیغ کوشا بودم تا انقلاب اسلامی شروع گردید در یکی از مسافرت‌های تبلیغی مأموران ساواک من را به خاطر فعالیت‌های سیاسی تعقیب کردند و چون مدرکی علیه من نداشتند، پس از مدتی آزادم کردند؛ اما ممنوع الخروج شدم و همین امر باعث شد که به صورت قاچاق به نجف بروم. در نجف فضای خوبی برای تحصیل وجود داشت و موفق شدم عمده کتاب کفایه را نزد آیت الله بادکوبه‌ای بخوانم. اولین درس خارج بنده در محضر استاد والمجتهدین مرحوم آیت الله العظمی خویی بود. به خاطر دارم خیلی از بزرگانی که بعدها از مراجع تقلید شدند، در درس خارج ایشان شرکت می‌کردند؛ از جمله مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی، آیت الله العظمی سیستانی، آیت الله العظمی فیاض و... بعد از مدت یک سال و چند ماه سکونت در نجف، بیمار شدم. دوستان صلاح را بر این دیدند که به قم مراجعه کنم. به قم برگشتم و اولین درس خارج بنده در قم، در محضر مرحوم آیت الله العظمی میرزا

گفتگوی با آیت الله جواهری

هاشم آملی بود؛ هم درس فقه و هم درس اصولشان را شرکت می‌کردم و درس هایشان را تقریر می‌کردم؛ ایشان هم تقریرات من را می‌دیدند و تصحیح و تشویق می‌کردند تا به نوشتن آن‌ها ادامه بدهم. البته همچنان به مناسبت‌های مختلفی به نجف می‌رفتم و بر می‌گشتم و در نجف در درس ولایت فقیه امام هم شرکت می‌کردم.

در قم که آمدم از درس خارج مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی محقق داماد استفاده می‌کردم. آیت الله داماد درس اصول را شروع کرده بودند که من هم در آن جلسات حضور پیدا کردم؛ تا به بحث مفاهیم رسیدند که از دنیا رفتند. عمده استفاده اینجانب فقها و اصولا در درس مرحوم آیت الله العظمی حج شیخ مرتضی حائری بود. شاید حدود پانزده سال از درس خارج اصول و فقه ایشان بهره بردم. یکی از اجازه‌های اجتهادی که دارم، از مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی است.

تدریس را از چه سالی و در چه سطحی و در کجا آغاز فرمودید؟

تاکنون اغلب دروس سطح و سطوح عالی را تدریس کرده‌ام. اکنون بیش از ده سال است که در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی درس خارج فقه و اصول می‌گویم. کتاب حج را شروع کردم که هم اکنون به میزان مجموعه آن بحث‌ها حدود چهار جلد می‌شود که البته هنوز منتشر نشده است. عرض کردم تدریس سطوح را در مدرسه قدیم مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی شروع کردم. مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در خیابان صفاییه مدرسه قدیمی داشت که تدریس را در آنجا شروع کردم و پس از آن در مساجد و حجره‌های صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام تدریس را ادامه دادم تا اینکه به مدرسه جدید آیت الله العظمی گلپایگانی برگشتم. الان همه جلسات تدریس بنده در مدرسه جدید آیت الله العظمی گلپایگانی دایر است. در همان موقع که درس می‌خواندم، پایه‌های پایین‌تر را تدریس می‌کردم. روال حوزه هم بر همین بود که آن‌هایی که در سطوح بالا درس می‌خوانند، برای سطوح پایین‌تر تدریس کنند.

همیشه در ماه رمضان و محرم و صفر به خارج از قم می‌رفتم. به خاطر دارم که قبل از پیروزی انقلاب هم یک دهه برای تبلیغ به کرمانشاه رفتم. مرحوم آیت الله اشرفی، شهید محراب، من را به منبر و سخنرانی دعوت کرد. در مدرسه آیت الله بروجردی بالای منبر بودم که دیدم آیت الله اشرفی اصفهانی با یکی از علما صحبت می‌کند و با انگشت به من اشاره می‌نماید. من که بالای منبر بودم، قدری دستپاچه شدم؛ اما خودم را حفظ کردم و سخنرانی را تمام کردم. وقتی از منبر پایین آمدم از آن عالم بزرگوار کنار آیت الله اشرفی سؤال کردم: «آقا به شما چه می‌فرمودند؟ به من اشاره می‌کردند؟» ایشان فرمودند: «داشتند از شما تعریف می‌کردند.»

«می‌فرمودند: خیلی از علما و روحانیون به کرمانشاه برای منبر می‌آمدند و الحمدالله همه آن‌ها منبرهای خوبی داشتند؛ اما ایشان [یعنی بنده] با مطالعه به منبر می‌روند.»

آیا پس از پیروزی انقلاب اسلامی حکمی از سوی مرحوم حضرت امام دریافت کردید؟ مسئولیت رسمی شما پس از انقلاب چه بوده است؟

بعد از پیروزی انقلاب از طرف حضرت امام اولین امام جمعه نائین شدم و از طرف مدیریت حوزه علمیه قم مسئول و مدرس حوزه علمیه آنجا بودم. وقتی مرحوم امام از دنیا رفت، مقام معظم رهبری حکم جدیدی برای بنده صادر فرمودند و در همان جا ماندم تا اینکه قدری بیمار شدم. کارهایی که باید در آنجا انجام می‌شد، بحمدالله صورت گرفت. به آقایان عرض کردم که می‌خواهم به قم برگردم. می‌خواستند که به شهر دیگری بروم، اما نپذیرفتم و به قم برگشتم. بنده قبل از اینکه به

نائین بروم، گذشته بر سابقه تدریس، عضو هیأت امتحنه حوزه علمیه قم بودم و به همین خاطر وقتی به قم برگشتم، مجدداً همان برنامه تدریس و برنامه امتحانات حوزه را بر عهده گرفتم. البته در زمان جنگ تحمیلی در نائین بودم. سختی‌های زیادی را متحمل شدم. هر وقت خستگی بر من زیاد می‌شد، خدمت آیت الله مظاهری که در اصفهان بود و آیت الله صدوقی که در یزد بود می‌رسیدم و آن بزرگان، من را تشویق به ماندن می‌کردند. در نهایت مسئولین بزرگوار پذیرفتند که به قم برگردم.

لطفاً اساتید خود را از دوره مقدمات تا دروس خارج معرفی بفرمایید.

در دوره مقدمات، شرح تجرید و مطول را نزد آیت الله مؤمن، قوانین را خدمت مرحوم آیت الله شب‌زنده‌دار مقداری از رسائل را نزد آیت الله سبحانی، مکاسب محرره را خدمت مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و بیع مکاسب را نزد مرحوم آیت الله منتظری خواندم. وقتی به نجف رفتم عمده درس کفایه را نزد مرحوم آیت الله بادکوبه‌ای خواندم. همان طور که عرض کردم اولین درس خارج خود را در محضر مرحوم آیت الله العظمی خویی بودم. در قم اولین درس خارج را خدمت مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی خواندم و پس از ایشان از درس‌های خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، مرحوم آیت الله اراکی، مرحوم آیت الله داماد و... استفاده کردم.

در حال حاضر کجا مشغول هستید در چه زمینه‌ای تدریس می‌کنید؟

در حال حاضر مشغول تدریس سه درس هستم: خارج فقه مبحث حج، خارج اصول بحث برایت و تفسیر آیات موضوعی و در مدرسه دارالشفاء هم مسئول امتحانات شفاهی هستم و گاهی در شب‌های پنج شنبه یا جمعه به شهرهای نزدیک برای امتحانات طلبه‌های آنجا می‌روم. البته شهرهای دور را با هواپیما می‌رویم. اخیراً سفر کردن به شهرهای دور، قدری برایم دشوار شده است.

شنیده می‌شود که طلبه‌ها سطوح مختلف از شیوه امتحانات شفاهی گله‌مند هستند و می‌گویند سئوالاتی که ممتحنین بزرگوار طرح می‌کنند خیلی پیچیده و سخت است. توضیح حضرت عالی در این باره چیست؟

مقداری از این قضیه که فرمودید شایعه است و این گونه نیست که ممتحنین بزرگوار بر طلبه‌ها سخت بگیرند. نه فقط امتحانات را سخت نمی‌گیرند، بلکه می‌توان گفت خیلی هم ارفاق می‌کنند. کسانی که گلیاه می‌کنند عمده اشکالاتشان به خودشان برمی‌گردد. آن درسی که باید بخوانند و آن زحمتی که باید بکشند، نمی‌خوانند و تلاش نمی‌کنند. چنین شاگردانی که در سطوح عالی شرکت می‌کنند، فقط سر جلسه درس حاضر می‌شوند. شب‌ها را مطالعه شب‌ها را به مطالعه و روزها به مباحثه مشغول بودیم. اگر مطلب مبهمی از جلسه قبل در ذهن ما می‌ماند، حتماً آن را با استاد در میان می‌گذاشتیم. امروزه، چنین شیوه‌ای در میان خیلی از طلبه‌ها وجود ندارد. طبیعی است که این قبیل طلبه‌ها در امتحانات شفاهی هم آن طور که باید و شاید موفق نمی‌شوند و وقتی بیرون جلسه می‌روند می‌گویند که مسئولین سختگیری می‌کنند. از نظر من امتحانات از طلبه‌ها بسیار با ارفاق گرفته می‌شوند.

اگر ممکن است تألیفات خود را برای ما معرفی کنید و مختصر توضیحی درباره هر کدام ارائه بدهید.

یک کتاب با عنوان فروع علم اجمالی نگذاشتم که یک جلدی و در زمینه فقه است. تألیفات دیگری هم دارم که هنوز چاپ و منتشر نشده اند. مبحث حج را دارم که در حدود چهار جلد می‌شود و آن آماده چاپ است.

منبع: هفته نامه حریم امام، سال هفتم، شماره ۳۳۶

آیت الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات مستند استاد سیدهادی خسروشاهی



بیست و سومین
شماره از مجموعه
«حدیث روزگار» (خاطرات
مستند استاد سیدهادی
خسروشاهی) اختصاص
به آیت الله هاشمی
رفسنجانی رضوان الله
تعالی علیه دارد.

مؤلف در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته است: «...آیت الله هاشمی رفسنجانی، یکی از مظلوم ترین شخصیت های مبارز تاریخ معاصر ایران است... شصت سال مبارزه و تلاش و خدمت و... با انبوهی از تخریب های ناجوانمردانه مدعیان ولایت مداری - به اضافه عناصر مشکوک لیبرال و سکولار مدعی آزادیخواهی - پاداشی نبود که سزاوار او باشد... و بی شک این امر، نه از لحاظ شرعی، و نه از لحاظ انسانی - اخلاقی قابل قبول نبود... اخلاق و انسانیتی که متأسفانه در هشت سال حکومت بی لیاقتان فرقه منحرف و دارندگان اندیشه های موهوم و عناصری بی تجربه و قدرت طلب و خودمحور، با ریاست فردی که در عمل نشان داد صلاحیت احراز مقام دوم کشور را نداشت، از بین رفت و عملکرد دوره دوم سلطه دیکتاتورمابانه او روشن نمود که ادعای پیروی از ولایت و رهبری، پوشش عوام فریبانه، برای گسترش سلطه و قدرت یابی بیشتر بود.

...البته آیت الله هاشمی در این میان کاملاً آگاه بود که این هجمه ها، تخریب ها، اهانت ها و اتهام ها، بی اخلاقی ها و اقدامات غیرم مشروع مدعیان!، از کجا آب می خورد و خود نیز در دیداری، چگونگی آن را بر من نقل کرد، ولی واکنشی جز حلم و خویش شدن داری، صبر و وفاداری به کلیت نظام اسلامی از خود نشان نداد و برای حفظ ارزش های نظام، همه ناهمبانی ها و ظلم ها و ناهنجاری ها را تحمل کرد و پذیرا شد، تا بر اصل نظام صدمه ای وارد نشود، یعنی: سر خم می، سلامت باشد، بشکند اگر سبوی...

در آخرین دیدار، من به آیت الله هاشمی گفتم که چرا برای پاسخ گویی لازم - نه مشاجره و منازعه - اقدام نمی کند؟ طبق معمول خود، خندید و گفت: من صلاح نظام نمی دانم که با این قبیل افراد دهن به دهن بشوم به ویژه که هرگونه پاسخگویی و توضیح ما، با اتهامی بزرگتر و اهانت های بیشتر روبه رو می گردد...»

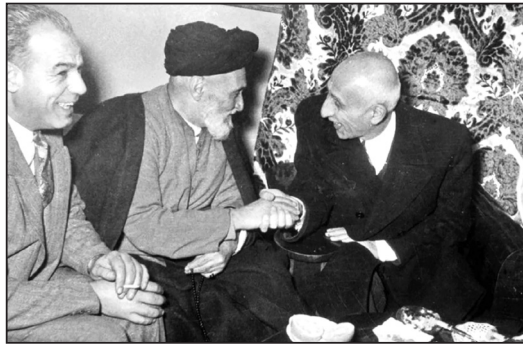
در این کتاب، استاد خسروشاهی پس از مقدمه به سابقه آشنایی خود با آیت الله هاشمی رفسنجانی پرداخته و در ادامه مروری بر نشریه مکتب تشیع، ترجمه کتاب سرگذشت فلسطین، مکاتبه با اکرم زعتیر، مبارزات آیت الله هاشمی رفسنجانی در قم، نشریه مخفی بعثت، بعد تفسیر قرآن، نکاتی برای ثبت در تاریخ، بیانات امام خمینی درباره دعاها، آخرین دیدار و... پرداخته است.

صفحات بعدی کتاب در قالب دو مقاله و دو مصاحبه و چهار پیوست منضم به تصاویر و اسناد به شخصیت آیت الله هاشمی رفسنجانی و برخی اتهامات بی اساس وارد شده به ایشان دارد.

کتاب «درباره آیت الله هاشمی رفسنجانی» در ۱۷۲ صفحه و توسط انتشارات کلبه شروق چاپ و منتشر شده است.

منبع: خبرگزاری مهر

سی ام تیر ۱۳۳۱، قیام ملی



فرع ملی شدن صنعت نفت دست کشیده و حملات خود را بیشتر از گذشته متوجه آیت الله کاشانی و گروه هایی چون حزب زحمتکشان، نیروی سوم و جریانات میانه رو و دست راستی کردند. این تغییر موضع و هدف مبارزاتی، در فاصله میان نهم اسفند ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بخصوص در روزهای پایانی عمر دولت ملی، به اتحادی غیرمنتظره میان برخی از رهبران حزب توده با افراد و جریان هایی در اردوگاه مصدق منجر شد. اتحادی که اگرچه در مورد کم و کیف آن توسط نیروهای امنیتی امریکایی و بریتانیایی اغراق شده بود، ولی تأثیر آن در ناامیدی جناح مذهبی و حامیان دربار از مصدق و آشتی با او بسیار مهم و سرنوشت ساز بود. از سوی دیگر مرگ استالین در اسفند ۱۳۳۱ و بالا گرفتن نبرد قدرت در شوروی، موجب تششت در سیاست خارجی و منطقه ای آن کشور و غفلت از مسائل ایران شد و در نتیجه، حزب توده و اقمار سیاسی و هواداران آن نیز در شرایط بی تصمیمی حزب مادر و رهبری کشور شوراها، دچار تششت و نابسامانی و اختلاف شدید دیدگاه در سطح رهبری خود در تصمیم گیری در برابر حوادث شش ماه پایانی دوران مصدق شد. این تششت در حوادث روزهای پایانی عمر دولت مصدق بیشترین نمود و تأثیرگذاری را داشت.

دربار و شخص محمدرضا شاه، تحت تأثیر شکست حقارت بار در تلاش برای کنار گذاردن دکتر مصدق، اگرچه مصدق خود در ۲۵ تیر استعفا داده بود، کم کم تحت تأثیر مشورت نیروهای امنیتی و دیپلماتیک امریکایی و بریتانیایی، بالا گرفتن تدریجی اختلافات نیروهای مذهبی با مصدق و احساس خطر از رشد روزافزون قدرت حزب توده و دیگر حامیان شوروی، راهی جز مقابله با قدرت روزافزون مصدق و تلاش برای کمک به تسریع سقوط دولت او، به هر قیمتی متصور نمی دید. در اردوگاه مذهبی، قدرت های سه گانه آن زمان، آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله کاشانی و فداییان اسلام، از سی تیر تا نهم اسفند ۱۳۳۱ در یک کشاکش قدرت با مصدق قرار داشتند. کاشانی و حامیان، خود را تنها عوامل بازگرداندن مصدق به قدرت می دانستند و طبعاً سهم خود را از دولت برآمده از قیام سی تیر طلب می کردند. در این مرحله، کاشانی، به عنوان رهبر سی تیر و رئیس جدید مجلس شورای ملی، خواهان کنار گذاردن نظامیان دخیل در سرکوب مردم در سی تیر و مشارکت در تصمیم گیری های مهم کشور بود. از سوی دیگر، به باور کاشانی، حامیان او و گروه های ائتلافی اش، آنان قادر به محدود کردن، تحت فشار قرار دادن و حتی کنار زدن مصدق از قدرت و در دست گرفتن مستقیم قدرت سیاسی بودند.

این سوء محاسبه و زیاده خواهی، عمدتاً ناشی از پیروزی سریع و قاطعانه در ۳۰ تیر بود. اختلافات نیروهای مذهبی با دولت مصدق تا جایی پیش رفت که در عمل، سرنگونی دولت، بتدریج از یک اقدام و گزینه محتمل و ممکن به هدف اصلی و خواسته سیاسی برخی از نیروهای مذهبی تبدیل شد و در این میان، دربار و نیروهای خارجی و دیگر گروه های مخالف نهضت ملی ایران، از وضع موجود به سود خود بهره بردند.

مجید تفرشی - تاریخ نگار و سندپژوه

در تاریخ معاصر ایران کمتر خیزش مردمی را سراغ داریم که همانند پنج روز تاریخی ۲۵ تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با حضور اکثریت مردم، به پیروزی اراده ملی و دستیابی کامل به آنچه مردم به دنبال آن بودند، منجر شده باشد. اگرچه دکتر محمد مصدق در پنج روز قیام تیر ماه از کانون مبارزه و مواجهه با دربار و حامیان آن کنار رفته بود و اگرچه بعدها خود مصدق در خاطرات خود اذعان داشت که استعفایش در روز ۲۵ مرداد اقدامی نسنجیده بود که اگر قیام عمومی مردمی نبود، ممکن بود مبارزات برای ملی شدن صنعت نفت ایران با خطر جدی مواجه شود. درباره رخداد های پنج روزه منتهی به سی تیر ۱۳۳۱، مقدمات و تبعات آن سخن ها گفته شده، مقالات و کتاب های بسیاری منتشر شده و همه ساله بازخوانی و یادآوری رسانه ای بسیاری نیز در سالگرد آن رخداد مهم ملی صورت می گیرد. در این نوشته کوتاه بر آن نیستیم که با تکرار مکررات، ذکر حوادث تاریخی کنیم. هرچند که در همین ذکر تاریخ محض نیز اختلافات جدی در روایت های گوناگون چپ، سلطنت گرا، مذهبی و ملی وجود دارد. در این مختصر صرفاً بنا دارم که به اجمال، چند نکته کوتاه درباره تبعات و نتایج قیام ملی سی تیر ۱۳۳۱، در دو مرحله از ۳۰ تیر تا نهم اسفند ۱۳۳۱ و از نهم اسفند ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را مورد توجه قرار دهیم. دورانی که با اوج اقتدار و بازگشت پیروزمندانه مصدق و جبهه ملی به قدرت، با حمایت اکثریت مردم آغاز شد و بتدریج طی ۱۳ ماه به جایی رسید که اکثریت خاموش، درمانده و مستأصل مردم، در برابر اقلیت هوادار سرنگونی حکومت مصدق تن به سکوت و شکست دادند و تلاشی برای حفظ دولت مصدق، در دومین دوران صدارت او نکردند. در واقع یکی از مهم ترین سؤالات رایج در مقایسه دو رویداد تاریخ ساز سی ام تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این است که چگونه در قیام مردم در پنج روز ۲۵ تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مردم این گونه یکپارچه، سامان یافته و هدفمند به خیابان ها ریختند و با هدایت رهبرانی چون آیت الله ابوالقاسم کاشانی، دکتر محمد مصدق را به قدرت برگرداندند و نهضت ملی شدن صنعت نفت را تداوم بخشیدند، ولی حدود یک سال بعد، در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و روزهای پس از آن، نه تنها شماری از آن رهبران راه خود را از مصدق جدا کردند، بلکه اکثریت مردم نیز برای جلوگیری از کودتای نظامی و سرنگونی دولت مصدق اقدام جدی و تأثیرگذاری انجام ندادند.

پشتیبانی قاطع کاشانی و هوادارانش از پیروزی مخالفان احمد قوام السلطنه و دربار در جهت بازگشت مصدق به قدرت در سی ام تیر، می توانست به یک دوره مهم از وفاق ملی در جهت تثبیت و قطعی ساختن اهداف مردمی و بین المللی مبارزات نهضت ملی شدن صنعت نفت تبدیل شود. ولی چرا چنین نشد و در یک بازه زمانی ۱۳ ماهه بر اثر ترکیبی از مشکلات داخلی و مداخلات خارجی، طومار مبارزات مردمی و دولت برخاسته از آن، درهم پیچیده شد. در طول ۶۶ سال اخیر، در تاریخ نگاری های مرسوم چپ، سلطنت طلب، مذهبی و ملی، با همه گرایش های مختلف آنها تلاش شده تا تقصیر این تحولات و مشکلات به گردن دیگران انداخته شود. حال آنکه هیچ یک از این جناح ها بری از خطا، سوء سیاست و سوء محاسبه نبودند و کم و بیش سهمی در این روند ۱۳ ماهه و دگردیسی سیاسی منجر به تغییر ناگهانی قدرت به عهده داشتند. پس از قیام ملی ۳۰ تیر، نیروهای اصلی چپ که عمدتاً حزب توده و بازوهای صنفی، کارگری و مطبوعاتی آن بودند، با یک شیفت تأثیرگذار و با سرعتی بیش از پیش، از عامل امپریالیسم خواندن مصدق و یارانش و ضمناً مشکوک دانستن اصل و

به گزارش روابط عمومی موسسه خانه کتاب، مراسم بزرگداشت مرتضی آخوندی مدیرانتشارات دارالکتب الاسلامیه به پاس ۷۰ سال مجاهدت فرهنگی با حضور جمعی از مقامات و مسئولان و همچنین ناشران و اصحاب فرهنگ در پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری برگزار شد.

در ابتدای این مراسم، حسینی پور مدیرعامل موسسه خانه کتاب با بیان اینکه این آئین برای یکی از مفاخر نشر کشور در قبل و بعد از انقلاب است، گفت: مرتضی آخوندی و پدر بزرگوارشان هفتاد سال در نشر و ترویج فرهنگ اسلامی تلاش کردند.

وی با بیان اینکه ۴۰ عدد رآزمیزی است و نشان دهنده خردمندی و پختگی است، به برنامه های موسسه خانه کتاب به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: کارنامه ۴۰ سال نشر ایران در قالب نمودار و آمار در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه شد که مورد استقبال بازدیدکنندگان نمایشگاه و محققان و مسئولان کشوری و لشکری قرار گرفت. همچنین، شناسایی ناشران، نویسندگان، ویراستاران، مترجمان و... که به نوعی در انقلاب نقش داشتند و تقدیر و قدردانی از آن ها در قالب برنامه های مختلفی مانند روز قلم که به منزل استاد پرویز خرسند، حاج آقای چیت چیان، آقای جعفر ابراهیمی رفتیم. حضور در شرکت سهامی انتشار از دیگر برنامه های ما بود که همچنان ادامه خواهد داشت.

حسینی پور ادامه داد: مسابقه کارتون و کاریکاتور با موضوع کتاب، نقد و بررسی کتاب هایی با موضوع انقلاب در سرای اهل قلم، برگزاری نشست های نقد و بررسی کتاب با مشارکت باغ موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سه شنبه دوم هر ماه، اختصاص بخش ویژه ای به جشنواره نشان شیرازه و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران مورد چهلمین سال انقلاب اسلامی از دیگر برنامه های موسسه خانه کتاب برای چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی است.

مدیرعامل خانه کتاب بیان کرد: بزرگداشت و تکریم مفاخر حوزه نشر و چرخه آن اعم از نویسنده، مترجم،

ویراستار، ناشر، کتابفروش و... از دیگر برنامه های خانه کتاب است و در این برنامه سعی می شود که همه اجزا نشر دیده شود. بزرگداشت مفاخر فرهنگی کشور یعنی الگوسازی برای نسل جوان، یعنی معرفی افرادی که در حوزه فرهنگ خاک خورده اند و برای فرهنگ سازی کشور زحمت کشیده اند. برنامه بزرگداشت آقای آخوندی یکی از این برنامه ها است. آقای آخوندی تراث شیعه را در جهان و به خصوص کشورهای عربی گسترش داده و نقش مهمی در گسترش فرهنگ اسلامی و شیعی داشته اند.

وی افزود: در روزگاری که اندیشه های الحادی و دین ستیز غلبه داشت، انتشارات دارالکتب الاسلامیه به سرمایه حاج شیخ محمد آخوندی به نشر فرهنگ اصیل شیعه پرداخت. با انتشار کتاب های اساسی به قلم پژوهشگران طراز اول و به قیمت نازل سعی کرد عامه مردم و به خصوص جوانان تشنه حقیقت را با آموزه های ریشه دار اسلام و مکتب تشیع آشنا کند. پس سزاوار است حاج مرتضی آخوندی قدر ببیند و بر صدر نشیند. تعهد ایشان به نشر کتب مذهبی مثال زدنی است. ناشری که تاکنون بیش از ۲۳۰۰ عنوان کتاب منتشر کرده است و همچنان دغدغه حوزه فرهنگ را دارد و با ذهنی وقاد و ریاضی وار به دنبال گسترش فرهنگ اهل بیت است. زمانی ما به جلو حرکت می کنیم که چنین افرادی را قدر بدانیم. در زمانی که فرهنگ بر سیاست سیادت و سروری کند ما به جلو حرکت می کنیم. انقلابی که بن مایه اش فرهنگی است و رهبران آن صبغه فرهنگی دارند و تحقیق و کتابخوانی آن ها بر همه چیز اولی است، مسیر روبه جلو دارد.

همچنین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در لوح تقدیر مرتضی آخوندی؛ مدیر انتشارات «دارالکتب الاسلامیه»، این نشر را ستاره فروزان فرهنگ ایران اسلامی خواند.

متن به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

برادر مکرم جناب آقای آخوندی انتشارات «دارالکتب الاسلامیه» ستاره فروزان در آسمان نشر در فرهنگ ایران اسلامی است. صدها هزار اثر گران سنگ با اهتمامتان زیور طبع یافت و هزاران مشتاق تشنه کام را سیراب ساخت این افتخار را به جنابعالی که از پیشکسوتان معزز حوزه نشر و از خاندان مکرم دین و

دانش هستید، تبریک می گویم.

سلامت و دوام توفیقاتان را از ایزد منان خواستارم.» در ادامه این مراسم، حسین استادولی نویسنده، مترجم و قرآن پژوه با بیان اینکه چهل سالگی انقلاب اسلامی به تکامل رسیده و باید آن را قدر بدانیم، گفت: پیروزی انقلاب اسلامی ایران مدیون صدق و صفا امام (ره) و بازوان آن یعنی شهدای گرانقدر هستند. وی افزود: من سال ۵۱ با انتشارات دارالکتب الاسلامیه آشنا شدم اما از حدود سال ۵۳ آشنایی بیشتری با این انتشارات و کتاب های آن پیدا کردم. اکثر کتاب هایی که از سوی این انتشارات منتشر شده چندین جلد را شامل می شود و این کار سرمایه ای عظیم و تلاش وافر می طلبد.

حجت الاسلام محمود دعایی از دیگر سخنرانان این آیین گفت: بیش از نیم قرن با خاندان آخوندی آشنایی داریم. در آن دوران ما طلبه ها کنجکاو ی زیادی داشتیم، تازه به قم آمده بودیم و به تهران نیز رفت و آمد داشتیم. بنابراین باید به مراکزی می رفتیم که مورد احترام عامه روحانیت و و بزرگان دینی بود. پدرم با پدر مرتضی آخوندی صیغه برادری خوانده بودند از همین رو ما گاهی پدر آقای آخوندی را «عمو جان» خطاب می کردیم. شرکت سهامی انتشار از دیگر مراکزی بود که ما به آن سر می زدیم و اولین بار شهید مطهری را آنجا دیدم.

دعایی ادامه داد: تلاش خاندان آخوندی در حوزه نشر کتب دینی مصروف ارائه آثار معیار، تراز و قابل اطمینان بود. از دیگر ویژگی های این خاندان این بود که پناه مبارزان انقلابی بودند و در آنجا از گزند دشمنان محفوظ می ماندند. این انتشارات پناه و تکیه گاه کسانی بودند که جزء نوشتن کتاب درآمدی نداشتند. این انتشارات آبروی نشر روحانیت است اگر چه آقای آخوندی روحانی نیستند اما الگویی برای همه محسوب می شوند.

وی در پایان گفت: امیدوارم فرزندان آقای آخوندی توفیق پیدا کنند همانگونه که آقای آخوندی راه پدر را ادامه دادند و مشعلی برای راه پدرشان بودند آنها نیز راه پدرشان را ادامه دهند.

همچنین احمد مسجدجامعی، عضو شورای اسلامی شهر تهران عنوان کرد: خانواده آخوندی از تبارهای اصیل و ریشه دار هستند و خوشبختانه

دستاورد ۴۰ سال تبلیغ و تلاش، فقط ۳۵ درصد؟

دولت در کنترل حجاب موضع داشته و مقاومت ذهنی دارند و بخشی از آنها به لحاظ ذهنی استعداد ریزش به سمت بدحجابان هنجارشکن را دارند.

در بخش دوم از این گزارش متغیرهای تأثیرگذار بر رعایت حجاب بررسی شده است. نتایج نشان می دهد «تحصیلات» رابطه معنادار و مثبتی با بدپوششی زنان دارد و با افزایش تحصیلات میزان حجاب زنان کاهش می یابد. متغیر «سن» نیز در تغییرات پوششی زنان تأثیرگذار بوده است و با افزایش سن از میزان بدپوششی های زنان کاسته می شود و جوانان بیشتر در معرض بدپوششی قرار دارند. نتایج تغییرات پوششی در «مشاغل متفاوت» نشان می دهد که ۳ گروه از افراد، یعنی زنان بیکار، محصل ها و کارمندان شرکت های خصوصی جزو گروه های آسیب دار هستند. در میان شاغلان نیز کارمندهای شرکت های خصوصی، بازاری ها، کارگران و فعالان رسانه ای بیشترین آمار بدپوششی را دارند. بررسی رابطه «وضعیت تاهل» و میزان حجاب نشان می دهد، متغیر تاهل تأثیر قابل ملاحظه ای در تغییرات پوششی زنان جامعه ندارد و اختلاف بین زنان مجرد و متأهل بدحجاب جامعه، تقریباً ۰ درصد است.

درخصوص بهترین نوع پوشش، ۳/ ۴۶ درصد از زنان استان تهران گفته اند که مانتو و شلوار با شال، روسری یا مقنعه بهترین نوع لباسی است که زنان در جامعه می توانند از آن استفاده کنند. ۴/ ۴۴ درصد

«دارالکتب الاسلامیه»؛ ستاره فروزان فرهنگ ایران اسلامی

فرزندان و بستگان آقای آخوندی هم در راه نشر فعالیت می کنند.

مسجدجامعی افزود: برخی از سفیران ما در خارج از کشور من را از ایده ای که برای ثبت جهانی روز علامه مجلسی در تقویم یونسکو در آن دوره داشتیم، پرهیز می دادند و معتقد بودند که با توجه به صبغه دینی و شیعی علامه مجلسی، یونسکو با این پیشنهاد مخالفت می کند. وقتی موضوع را با زنده یاد احسان نراقی در میان گذاشتم، او با نگاهی علمی در این رابطه صحبت کرد و گفت اینگونه نیست که یونسکو حتما با آن مخالفت کند چرا که علامه مجلسی ۴۰۰ سال پیش در واقع یک دانشنامه جمعی را منتشر کرده است. دانشنامه ای که سروراستار داشته و می شود گفت که پایه گذار نوعی دانشنامه نویسی بوده است. ما این پیشنهاد را در یونسکو مطرح کردیم و از قضا رای آورد و مشخص شد که حرف سفرای ما که با این پیشنهاد مخالفت می کردند، بی اساس بوده است.

مرتضی آخوندی در مراسم بزرگداشتش گفت: من این بزرگداشت را برای خودم نمی دانم بلکه بزرگداشتی برای علوم آل محمد می دانم. این کاری بود که در انتشارات دارالکتب الاسلامیه توسط ابوی بنده پایه گذاری شد؛ زمانی که من هنوز به دنیا نیامده بودم. قصد این انتشارات این بود که آثار مکتوبی که از شیعه رسیده بود از کتاب های مرجع تا روایات و تفاسیر در جهان اسلام و تشیع منتشر و عرضه شود من هم دنباله روی پدرم بودم و هرچه دارم از دعای ایشان دارم.

وی بیان کرد: ما ناشران مسئولیت بزرگی نسبت به مطالبی که منتشر می کنیم، داریم؛ اگر کلام باطل را نشر دهیم، یقیناً بنده شیطان شده ایم. خداوند از همه پیمان گرفته است که از شیطان پیروی نکنند. وی ادامه داد: همه ما نسبت به خوراکی که به جسم ما می رسد حساس هستیم و به تاریخ مصرف آنها نگاه می کنیم. اما آیا در مطالبی که هم به مغزمان می رسد، همین حساسیت را هم داریم. آیا انتشار کتاب باید لجام گسیخته باشد و هر کسی هر چیزی که دلش خواست بگوید؟! کتب ضلال، بدترین چیزهاست و می تواند افکار بد را ترویج دهد کما اینکه بسیاری از مشکلاتی که ما امروز با آن دست به گریبان هستیم، ناشی از همین مسئله است.

پاسخگویان بهترین لباس را انواع چادر با روسری یا مقنعه می دانند.

نتایج این پژوهش نشان می دهد که حجاب در کشور از حالت شرعی به حالت عرفی تغییر کاربری داشته است به طوری که فقط ۳۵ درصد از زنان جامعه حجاب را ارزشمند دانسته اند و ۵۵ درصد دیگر ترجیح می دهند که پوشش را به عنوان عرف رعایت کنند.

نتایج این پژوهش چند پرسش را به ذهن متبادر می کند:

نخست اینکه چرا نهادهای فرهنگی ایران با وجود صرف بودجه در راستای تبلیغات تا این حد ناموفق بوده اند که حجاب فقط برای ۳۵ درصد از زنان جامعه ارزشمند است؟

دوم اینکه چه چیزی باعث شده است که روند ارزشمند بودن حجاب برای زنان ایرانی سیر نزولی طی کند تا جایی که حدود ۳۰ سال پیش ۸۶ درصد مردم ایران حجاب را امری واجب می دانستند و نه عرفی؟ پرسش دیگر اینکه حضور گشت های ارشاد در سرتاسر ایران چه فایده ای در راستای ترویج پوشش اسلامی داشت و تا چه حد زنان را از رعایت پوشش اسلامی دلزده کرد؟

شما چه فکر می کنید؟ چرا اشتیاق زنان به حجاب سیر نزولی داشته است؟

ایسنا - سهیلا صدیقی

دامنه ۶۰ تا ۷۰ درصدی از زنان جامعه در گروه محجبه های عرفی (بدحجاب با تعریف شرعی) قرار دارند که از این میان ۱۰ - ۱۵ درصد بدحجاب هنجارشکن بوده و سایر افراد در گروهی هستند که می توان آنها را دارای حجاب عرفی و یا بدحجاب معمولی تلقی کرد. ۳۰ تا ۴۰ درصد از زنان نیز در گروه باحجاب ها قرار دارند.

آنچه خواندید، یافته های مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی است که اخیراً گزارش آن را منتشر کرده است. این گزارش نشان می دهد که فقط حدود یک سوم از زنان ایرانی حجاب اسلامی را رعایت می کنند و دو سوم آنها اصطلاحاً «بدحجاب» هستند.

در این گزارش دو پارامتر نگرش مردم نسبت به موضوع «حجاب» و «رفتار پوششی» آنها بررسی شده و وضعیت نگرش جامعه به موضوع حجاب در ۵ محور اساسی شامل ارزشمندی حجاب، ضرورت حجاب برای زن مسلمان، حدود حجاب، پیامدهای حجاب و بی حجابی، مداخله دولت در موضوع حجاب ارزیابی شده است.

اما این پژوهش یافته های جالبی دارد به طوری که نتایج آن نشان داده است: «ارزشمندی حجاب در جامعه دچار تحول شده و براساس آخرین تحقیقات حدود ۳۵ الی ۴۰ درصد از مردم کاملاً در این طیف قرار می گیرند.

تأسیس رشته حقوق بشر اسلامی جزو برنامه های آتی دانشگاه مذاهب است



مرکز دانشجویی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران (صلح زیبا) همزمان با فرارسیدن روز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی و نقض متعدد حقوق مسلمانان در

سراسر جهان، میزگردی با عنوان «روز حقوق بشر اسلامی و ظرفیت قانونی و مبنایی آن در دفاع از حقوق انسانها» با همکاری و میزبانی دانشگاه مذاهب اسلامی، در سالن جلسات دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار کرد.

در این نشست، وفاداری دولت های کشورهای اسلامی نسبت به بیانیه حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی موسوم به بیانیه قاهره و ظرفیت های مغفول آن جهت برون رفت دنیای اسلام از شرایط نامناسب کنونی با حضور صاحب نظران داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفت.

دکتر «محمد حسین مختاری» رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی به مناسبت برگزاری این میزگرد پیامی صادر کرد که توسط دکتر «یحیی جهانگیری» مدیر کل ارتباطات علمی-بین المللی دانشگاه مذاهب قرائت شد، متن این پیام به شرح زیر است:

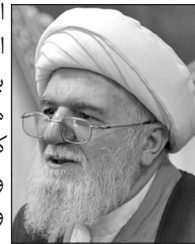
باسمه تعالی

مقدم اندیشمندان محترم، دغدغه مندان حقوق بشر اسلامی، اهالی رسانه و دانشمند ارجمند دکتر آصفی را به دانشگاه مذاهب اسلامی گرامی می دارم. از انجمن دانشجویی حقوق بشر اسلامی و معاونت بین الملل و پژوهش دانشگاه مذاهب اسلامی جهت برگزاری این نشست علمی تشکر و قدردانی دارم.

حقوق بشر امروز، نه ابزاری برای دفاع از انسان، زنان، کودکان و... است، بلکه ابزاری است به دست مدعیانش تا از افغانستان تا عراق از آسیا تا آفریقا و هر جای دنیا انسان به تمام مصادیقش را از هر مذهب و قومی، قربانی مطامع خود سازند. اما معارف دینی، حقوق انسان را نه محدود به نیاز های بشری -دنیوی می داند و نه ژست گیرانه از حقوق بشر بدون ترسیم وظایف و تکلیف او حرف می زند، بلکه هم از حق دنیوی بشر می گوید و هم از حقوق بایسته فرادنیوی و البته هم از حق او می گوید هم از تکلیفش. حقوق بشر اگر چه به اصطلاح یک مفهوم مدرن است، اما قرآن کریم و معارف دینی قرنهای پیش از آن سخن رانده و با تبیین ارزش های اخلاقی و تقنین قوانین حقوقی -فقهی به حفظ این حقوق پرداخته است، اصل لقد کرما بنی آدم به عنوان یک ارزش بنیادی در حقوق بشر مورد تصریح کتاب آسمانی قرآن است. منبع شریف نهج البلاغه و به ویژه رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام می تواند، راهگشای خوبی در تبیین حقوق بشر اسلامی باشد. البته امروز بر پژوهشگران و اسلام پژوهان است که حقوق بشر را با استناد به منبع سرشار و حی استنباط و استخراج کند. دانشگاه مذاهب اسلامی در دوره جدید با توسعه رشته ها و میان رشته ها، رسالت خود می داند که به نظریه پردازی در عرصه های جدید بپردازد.

از این رو تأسیس رشته حقوق بشر اسلامی را با بهره گیری از ظرفیت همه مذاهب اسلامی آن هم با رویکرد مقارن جزو برنامه های آتی خود قرار داده است.

حج موجب رفعت و عظمت تعالیم دین اسلام است



ایران پس از انقلاب اسلامی تأکید کرد: استعمار غرب در مدت ۴۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همه راه های فشار و محاصره را بر ایران وارد کرده است، اما عشق این مردم به امام و رهبرشان روز به روز زیاده تر شده است و محاصره سیاسی، اقتصادی و نظامی و ایجاد جنگ علیه ایران به هیچ وجه نتوانسته است مردم این کشور را از اهداف خود دور کند.

وی با اشاره به حمایت همه جانبه کشورهای غربی از صدام در زمان حمله به ایران اظهار داشت: صدام با تشویق آمریکا و پشتیبانی همه قدرت ها حمله به ایران را آغاز کرد و حتی کشورهای منطقه بخصوص عربستان سعودی اعتراف کردند که

هیأتی از علمای اهل سنت هند با آیت الله محمدعلی تسخیری، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی دیدار و گفتگو کردند. آیت الله تسخیری در این دیدار، ضمن تبریک حلول ماه ذی القعدة که مقدمه حج است، ابراز امیدواری کرد که حج امسال نیز باشکوه برگزار شود و موجب رفعت و عظمت تعالیم دین اسلام شود.

وی با اشاره به اینکه مردم همه شهرهای ایران به اسلام و مسلمانان عشق می ورزند، خاطرنشان کرد: نتیجه این عشق، به وجود آمدن انقلاب و رهبری امام خمینی (ره) است؛ این انقلاب برپا شد تا موجب تعالی دین اسلام و رضایت خداوند متعال باشد. آیت الله تسخیری با اشاره به فشارهای غرب بر

انتقاد آیت الله اراکی از تلاش کشورهای اسلامی برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی

موجب امنیت اهل زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت من موجب امنیت امت من از اختلاف اند. پس زمانی که یکی از قبایل عرب با آنان مخالفت کنند، در اختلاف گرفتار می شوند.»

آیت الله اراکی افزود: این روایت بدین معناست که منشأ اختلافات در میان امت اسلامی دوری از آموزه های اهل بیت (ع) است و وحدت همان دستوراتی است که رسول خدا (ص) فرموده اند: «قربوا و لاتنثروا» یعنی به یکدیگر نزدیک شوید و پراکنده نشوید.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پایان این دیدار به شرایط دشوار کنونی در میان امت اسلامی اشاره کرد و گفت: از زمانی که اختلافات و کشتار میان ملت های مسلمان در برخی کشورهای اسلامی شدت گرفته است، امت اسلامی در مرحله دشوارتر و خطرناک تری قرار گرفته است. همچنین تلاش برخی کشورهای اسلامی برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و جنگ با مسلمانان به این دشواری شرایط دامن زده است.

اختلافات در جوامع اسلامی خطرناکتر از تهدیدهای خارجی

حجت الاسلام مهدی ایمانی پور در ادامه خواستار ارائه پیشنهادات و راهکارهای هیأت هندی برای وحدت هرچه بیشتر جوامع اسلامی و مقابله با اسلام هراسی شد. در ادامه اعضای هیأت هندی ضمن قدردانی از تلاشهای ایران در زمینه وحدت و تقریب بین مذاهب اعلام کردند، ایران تنها کشوری است که در این مسیر تلاش می کند و گامهای بسیار خوبی برداشته است.

آنها در ادامه بیان کردند، ضربه ای که سلفیت و گروه های تروریستی به اسلام وارد کردند، خیلی بیشتر از ضربه های حمله مغول و چنگیزخان و ... بود، سلفیت بزرگترین خطر برای مسلمانان در سراسر جهان اسلام است و وظیفه شرعی همه مسلمانان است که با آن مقابله کنند.

اعضای هیأت هندی با بیان اینکه اکثر منابع تصوف به زبان فارسی است، خواستار ترجمه بیشتر این منابع به زبان اردو برای مقابله با سیل ویرانگر سلفی گری شدند و گفتند، ما در این زمینه نیاز به حمایت معنوی جمهوری اسلامی ایران داریم، چراکه فقط با تقویت عرفان و تصوف می توان در برابر موج سلفی گری مقاومت کرد، به عبارتی تنها راه مقابله با توطئه های صورت گرفته علیه جهان اسلام، تقویت عرفان است. اعضای هیأت هندی با بیان اینکه، تعداد شبکه های زیادی در اختیار وهابیهایی است که در بین مسلمانان ایجاد اختلاف می کنند، گفتند: امیدواریم ایران اسلامی در این زمینه از ما حمایت کند تا بتوانیم فعالیت خود در شبکه های مجازی را برای مقابله با تلاشهای وهابیت در ایجاد تفرقه در جهان اسلام گسترش دهیم.

بالا پرداخت و گفت: پاداش حقیقی جز با پیروی از رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و عشق به آنها حاصل نخواهد شد. این عشق همان عشقی است که مؤمنان را به پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) هدایت می کند و ضامن باقی ماندن بر مسیر سنت رسول گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) است.

وی افزود: انحراف، ظلم و پیروی از وسوسه های شیطان، زمانی به وجود می آید که از عشق و محبت رسول اکرم (ص) و اهل بیت گرامی ایشان دوری گزینیم.

آیت الله اراکی همچنین خاطرنشان کرد: عرفان و تصوف اسلامی واقعی بر پایه محبت و عشق به رسول خدا (ص) و اهل بیت او (ع) و انتخاب راه ایشان که تنها راه برای رسیدن به خداوند متعال است، استوار است.

وی درباره پیروی از اهل بیت (ع) و تحقق وحدت و نزدیکی مسلمانان به یکدیگر، به روایتی از رسول خدا (ص) اشاره کرد که در کتاب «کنز العمال» روایت شده است. حضرت رسول (ص) فرمودند: «ستارگان

حجت الاسلام مهدی ایمانی پور» مشاور عالی رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در دیدار هیأتی از علمای اهل سنت هند، با بیان اینکه علمای شبه قاره هند از گذشته تا کنون بسیار برای ما حائز اهمیت بوده اند، گفت: در بین جریانهای اسلامی نزدیکترین جریان به ما صوفیه است و کمیته ای مخصوص به این جریان در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به ریاست «حجت الاسلام و المسلمین میرآقای» تشکیل و مطالعات خوبی در این سازمان در این رابطه انجام شده است.

وی در ادامه ضمن معرفی معاون مطالعات فرهنگی و رئیس کمیته متصوفه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، گفت: امروز جهان اسلام در دو بعد خارجی و داخلی مورد حمله قرار گرفته است که بعد خارجی آن خطر چندی نیست، آن چیزی که برای ما نگران کننده است، ابعاد داخلی است، دشمن سعی دارد به وسیله جریانهای اسلام هراسی مانع از نزدیکی کشورهای دیگر به ما بشود و در همین راستا چهره خشنی از اسلام در جهان ارائه داده است.

ایمانی پور با بیان این مطلب افزود: با توجه به حمله های صورت گرفته علیه جهان اسلام، همه ما وظیفه سنگینی در معرفی چهره صحیح اسلام به جهان و مقابله با این مخاطرات داریم.

وی افزود: تهدید داخلی که به نظر ما خطر آن از تهدید خارجی مهم تر است، تلاش هایی است که این روزها برای ایجاد اختلاف در جوامع اسلامی صورت می گیرد؛ جای تأسف است که گاهی برخی علما اعلام می کنند که مثلاً خطر فلان نحله اسلامی بیشتر از صهیونیسم است.

آیت الله محسن اراکی، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در دیدار علمای اهل سنت هند، با اشاره به معنای محبت الهی و نقش این محبت در وحدت مسلمانان، به آیه کریمه «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله» استناد کرد و گفت: این آیه بر این نکته تأکید دارد که معنای چنین محبتی، پیروی از تمام دستورات و احکامی است که از سوی حضرت باری تعالی به رسول گرامی اسلام (ص) ابلاغ شده است.

آیت الله اراکی درباره معنای حب واقعی، به نظریه متأخرین اشاره کرد و گفت: متأخرین عقیده دارند که خلقت انسان با این هدف صورت گرفته است که میان انسان و خالق او رابطه محبت دو طرفه برقرار است به گونه ای که این انسان نیز محبوب خداوند متعال باشد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: عشق و محبت، موجب وحدت و اتحاد می شود زیرا با محبت، دلها با یکدیگر متحد می شوند و بدین سبب است که محبت، پاداش رسالت حضرت محمد (ص) عنوان شده است: «قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة في القربى».

دبیرکل مجمع تقریب به معنای «اجر» درآیه شریفه

شیخ الازهر درخواست برای حذف برخی آیات قرآن را محکوم کرد

احمد الطیب، شیخ الازهر مصر در ضیافت افطار وزارت اوقاف که در آن عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور این کشور نیز حضور داشت، درخواست غرب مبنی بر حذف برخی آیات قرآن کریم را رد کرد.

وی تصریح کرد: قرآن کریم طی چهارده قرن مورد حملات و بی احترامی برخی ها قرار گرفته و این اقدامات گمراه کننده این روزها نیز ادامه دارد. شیخ الازهر گفت: ما بیانیه ای که توسط ۳۰۰ روشنفکر و سیاستمدار در ماه آوریل در فرانسه منتشر شد و در آن خواستار حذف برخی آیات قرآن کریم به ویژه آیاتی که متعلق به جنگ یهودیان و مسیحیان شده اند را محکوم می کنیم. دکتر الطیب تأکید کرد: این اقدامات غرب علیه مقدسات اسلام، محکم ترین دلیل برای تروریسم و عامل خونریزی بی گناهان می شود.

وی افزود: هیچ آیه ای در قرآن کریم وجود ندارد که خواستار کشتن یهودیان و مسیحیان باشد و برای ظلم و ستم در این کتاب مقدس جایگاهی وجود ندارد. آیاتی نیز که افراد را به جنگ فرامی خواند، در مورد مقاومت در برابر متجاوزان نازل شده است.

گفتنی است ۳۰۰ شخصیت فرانسوی از جمله نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور سابق فرانسه، سه نخست وزیر سابق این کشور و نمایندگانی از گروه های یهودی و مسیحی با امضای بیانیه ای خواستار حذف برخی آیات قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمان ها شده اند. این موضوع واکنش های منفی زیادی را در پی داشته است.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفائییه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بهشت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

امت اسلامی روح حج را فراموش کرده است

ادامه از صفحه اول

ضرورت نگاه به حج با تمرکز بر یک هویت واحد متمرکز در «ناس» / احیاء روح حج در گرو گفت‌وگوهای بین‌الادینی

وی اظهار کرد: در واقع حتی ما حج را با عنوان و یاد امت و با تمرکز بر جنبه‌های مربوط به یک هویت که درون «ناس» است ندیدیم و در نتیجه حج در یک وضعیت مادون مصلحت و اقتضای امت قرار گرفته است. در حج هیچ بهانه‌ای برای اینکه بخشی در قبال بخشی قرار بگیرد پذیرفته نمی‌شود و این پیام حج است ولی ما به عنوان مجموعه امت از حج گاه‌ها فرصت‌هایی ساخته‌ایم که کنار هم ننشینیم.

مبلغی با تأکید بر ظرفیت‌های بسیار زیاد و استثنائی حج برای امت، گفت: حج تجسم بخش آیات قرآنی با نگاه به «ناس» و بشریت است. آنجا باید در پیشگاه خدا آرامش پیدا کرد و این آرامش را به مثابه یک پیام برای همه خداگرایان جهان و خداجویان ادیان مختلف به زبان‌های مختلف منتقل کرد. از این معجزه ابراهیمی در دل تاریخ بالیده تا به امروز رسیده می‌توان با هزار زبان رابطه خدا و «ناس» را به جهانیان عرضه کرد ولی ما از حج صرفاً مناسکی ساخته‌ایم و دغدغه اصلی ما بیش از مناسک نیست در حالی که مناسک یک کالبد است که روحی در آن وجود دارد.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در پایان اظهار کرد: این روح امروزه نیازمند گفت‌وگوهای بین جهان اسلام و مذاهب مختلف است تا توسط این عالمان، فرهیختگان و سیاستمداران به مثابه یک امر فراسیاستی، فراقومیتی و فرامذهبی دیده شده و در آن جایگاه فراتاریخی و استثنائی خود قرار بگیرد.

حاج حسین آقا ملک، با بنا نهادن سقفی بلند برای میراثی بزرگ، معتقد بود وجود کتابخانه و موزه در کنار هم، موجب می‌شود پژوهشگران و علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر و تمدن، در کنار بهره‌گیری از کتاب‌ها و نسخه‌های خطی، به تماشای گوشه‌هایی از فرهنگ و تاریخ پرآرایی و اسلامی بنشینند. این تفکر، امروز موجب گسترش و افزایش عملکرد فرهنگی این مجموعه شده است.

آستان قدس رضوی به عنوان متولی امور این نهاد فرهنگی، در نظر دارد با مرمت علمی و اصولی خانه حاج حسین ملک در بازار تهران، ضمن حفظ این میراث ارزشمند، به نوعی حیات فرهنگی آن را احیا کند تا دوباره دیوارهای این خانه آغوشی باشد برای نگهداری کتاب و پاتوقی برای اهل فرهنگ.

پروژه های بزرگ کتابخوانی



بر این اساس ۲۷۱ باب کتابخانه به همین دلیل تعطیل شدند که کمترین آمار تعطیلی کتابخانه‌های مربوط به کتابخانه‌های نهادی با ۳۴ باب و بیشترین تعداد مربوط به کتابخانه‌های مشارکتی با ۲۳۳ باب بوده است.

علیرضا مختاریپور در این جلسه از افتتاح دو پروژه بزرگ همزمان با ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی خبر داد و گفت: کتابخانه مرکزی بجنورد با مساحت هزار متر مربع و زیربنای ۴ هزار و ۲۵ متر مربع، ان شاء الله با حضور وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در مرداد ماه سال جاری افتتاح خواهد شد.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور افزود: این کتابخانه مرکزی با بیش از ۱۰۰ هزار جلد ظرفیت آثار ارزشمندی از جمله ۸ هزار جلد کتاب اهدایی از کتابخانه شخصی آیت‌الله مهمان‌نواز را در خود جای داده است.

مختاریپور در ادامه گفت: همچنین پس از گذشت بیش از ۲۰ سال، کتابخانه مرکزی مشهد در دهه فجر سال جاری افتتاح خواهد شد. خوشبختانه با پیگیری‌های انجام شده، کارهای عمرانی این کتابخانه مرکزی در شش طبقه و ۱۱ هزار و ۶۰۰ مترمربع زیربنا به پایان رسیده است. کتابخانه مرکزی مشهد با دارا بودن ظرفیت ۲۰۰ هزار جلد کتاب در بخش‌های مختلف فضای بسیار مناسبی به لحاظ سالن‌های مطالعه و سایر امکانات از جمله خدمات اینترنتی را برای اعضای خود پیش‌بینی کرده است.

۴۶ سال از نبودن حاج حسین آقا ملک گذشت

روایت تاریخ از ورای اندیشه والای واقعی دورانیش

فرهنگ کرد و ثروت خود را وقف امام رضا (ع).
دیوان ابن‌یمین؛ نخستین جرقه یک کار بزرگ

به روایت تاریخ و بیان خاک خورده‌های کتاب، حاج حسین علاقه سیری‌ناپذیری به کتاب و جمع‌آوری نسخه‌های نفیس و خطی از قرآن‌های کتابت شده در سده‌های نخست تا آثاری در زمینه‌های پزشکی، نجوم، ریاضیات، ادبیات و شعر، دین و هنرهای ایرانی - اسلامی داشت. اکنون ۱۱۵ سال از روزگاری که نخستین اندیشه در زمینه جمع‌آوری کتاب و تشکیل کتابخانه در سن ۲۸ سالگی در ذهن حاج حسین ملک جرقه زد، می‌گذرد. واقف کتابخانه و موزه ملی ملک، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۵ در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات، درباره آغاز این راه گفته است: «در سال ۱۳۱۷ هجری قمری (۱۲۷۸ شمسی) که به اتفاق مرحوم پدرم حاج محمدکاظم ملک‌التجار برای دیدن املاک خراسان به مشهد رفتم، در بازگشت در نیشابور نیرالدوله حاکم این شهر از ما که عده همراهانمان به ۴۰۰ نفر می‌رسید، استقبال باشکوه و پذیرایی ۱۵ روزه کرد. من در نیشابور نسخه‌ای از دیوان ابن‌یمین را پیدا کردم و در این ۱۵ روز از وی آن نسخه‌ای برای خود نوشتم. از آن پس این فکر در من قوت گرفت که یک کتابخانه بزرگ دایر کنم.»

اما نخستین قدم برای شروع جمع‌آوری بیش از ۱۹ هزار نسخه خطی و نفیس، ۶ سال بعد برداشته شد. حاج حسین در سال ۱۲۸۴ شمسی، در حاشیه ماموریتی به خراسان، کتابخانه شیخ عبدالحسین پسر شیخ عبدالرحیم بروجردی را خریداری کرد و در ادامه کتاب‌های میرزا ارسطو منشی کنسولگری روس را خرید و اولین طبقات کتابخانه ملک ایجاد شد. پس از آن حاج حسین آقا، هر جا می‌شنید کتاب خطی وجود دارد به سراغ آن می‌رفت. در پی پیچیدن آوازه‌اش مبنی بر علاقه به کتاب، هر کس کتاب خطی

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از افتتاح پروژه‌های بزرگ کتابخوانی همزمان با ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی خبر داد. تلاش برای تجهیز ۵۰ هزار روستای محروم به قفسه‌های کتاب و نیز افتتاح کتابخانه‌های مرکزی مشهد و بجنورد از آن جمله است.

علیرضا مختاریپور در نخستین

جلسه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور در دوره جدید که با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد با ارائه گزارشی از عملکرد فرهنگی این نهاد در سال‌های ۹۶ و سه ماهه نخست جاری گفت: در سال ۹۵ تعداد کتابخانه‌های عمومی ۳ هزار و ۳۴۶ باب بوده که این تعداد در سال ۹۶ به ۳ هزار و ۴۲۶ باب رسیده که بر این اساس زیربنای کتابخانه‌های عمومی کشور از یک میلیون و ۳۷۵ هزار و ۶۶۶ متر مربع در سال ۹۵ به یک میلیون و ۳۹۳ هزار و ۵۰۷ متر مربع در سال ۹۶ رسید که از این جهت شاهد توسعه فضای کتابخانه‌ای کشور بودیم.

وی افزود: از خرداد ماه ۱۳۹۳ تا تیرماه ۱۳۹۷ تعداد ۵۲۹ باب کتابخانه عمومی به کتابخانه‌های موجود اضافه شده است که سهم کتابخانه‌های نهادی ۳۴۴ باب، کتابخانه‌های مشارکتی ۱۷۹ باب و کتابخانه‌های مستقل شش باب بوده که بیشترین تعداد در استان فارس با ۵۲ باب و کمترین تعداد در استان قم با سه باب بوده است. اما در این بازه زمانی برخی از کتابخانه‌ها به علت فرسودگی نیاز به تعمیرات و بازسازی داشتند که

۴۶ سال از هجرت مردی بزرگ از کاروان فرهنگ و هنر ایران به دیار باقی می‌گذرد. حاج حسین آقا ملک اما با رفتن خود، نام نیک خود را برای همیشه در این دنیا به یادگار گذاشت. سقف بلندی که سالیان دور برای حفظ میراثی بزرگ از فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی - اسلامی بنا نهاد، برگ زرینی بر صفحات تاریخی پرافتخار است.

سقفی بلند برای میراثی بزرگ

به گزارش ایبنا، حاج حسین ملک، بنیانگذار و واقف موزه و کتابخانه ملک، ۱۰ خرداد ۱۲۵۰ برابر با ۱۱ ربیع‌الاول ۱۲۸۸ قمری در تهران متولد شد. خانواده‌اش اصالتاً تبریزی و مجتهدزاده بودند. پدرش مرحوم حاج محمدکاظم ملک‌التجار از بازرگانان بنام بود و پدر بزرگش آقا محمد مهدی تبریزی، از دوستان نزدیک میرزا تقی‌خان امیر نظام بوده و سرای امیر در بازار تهران را به احترام و نام او بنا کرد. این واقف خیراندیش و دوراندیش، چهارم مرداد ۱۳۵۱ برابر با ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۹۲ قمری در خانه خود واقع در بازار بین‌الحرمین تهران، چشم از جهان فرو بست.

خانه حاج حسین آقا ملک با دیوارهای آجری و سنگی و حوضی آبی‌رنگ در میانه حیاط که دنیایی حس خوب به هر که وارد این خانه می‌شود، منتقل می‌کند، در دل بازار بین‌الحرمین تهران همچنان پابرجاست. عبارت زیبایی «و هو الملک الحق المبین» بر سردر خانه، نشان از روح بزرگ مردی دارد که دل در گرو خدا و سلاله پاک پیامبر خدا داشت. پنجره‌های آرسو، حوض آبی رنگ، اتاق مخمل حاج حسین آقا، سالن‌ها و اتاق‌هایی با معماری زیبای ایرانی و درختان پیری که سالیان سال چون ناظری خاموش و صبور، شاهد گذر روزگاران در بین دیوارهای خشت و سنگی این خانه بوده‌اند، همه همه اگر به زبان بیابند هنوز با گذشت دهه‌ها، از مردی می‌گویند که خود را وقف